

مدت اعتبار آن بکمال است اما در این اساس بکمال نیست و این اساس بانی است تا به مدتی بکمال باشد و این ترتیب نفع شود اینترالام بود عرض کنم که آقایان تصور نکنند که مدت این قانون بکمال است و به تمام می شود اینطور نیست اما قسمت راجع بنظر آقای ارباب که میفرمایند کمیسیون مطئن است از اجرا شدن آن بنده سکه مغیر کمیسیون هستم با آقای ارباب از حیث اطینان و عدم اطینان دو حکم واحد هستم و اگر این نظر را مانتهاذ کنیم هیچوقت يك قدم بطرف اصلاح بر نخواهیم داشت برای اینکه همیشه این نظر ممکن است باشد یعنی مجریان قانون و مجریان اصلاحات به میشود که در وقت نظر دولت مرکزی خود هم نیستند سوء استفاده بکنند اما آیا این دلیل کافی است برای اینکه انسان يك قدم هائی برای اصلاح کار بردارد علی الخصوص کمیسیون مأمورین ایران در خارج ممکن است از این قوانین سوء استفاده کنند یعنی میفرمایند اگر این قانون نباشد سوء استفاده نمیکنند ؟ جرارد صورتیکه ممکن است اگر این قانون نباشد بیشتر سوء استفاده کنند و اگر بخواهند سوء استفاده کنند از بیست و سه قرانی بیشتر میتوانند استفاده کنند تا از دو قران پس لااقل این تقلیلی که شده است سوء استفاده آنها کمتر خواهد شد اگر منظور آقای ارباب این بود که حواش را عرض کردم و اگر قصدشان چیز دیگر است آنرا توضیح خواهند داد

(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه با کافی بودن مذاکرات موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - معلوم میشود کافی است - رأی میگیریم برای دخول در شور مواد حائری زاده - بنده اخطاری دارم نایب رئیس - بفرمائید

حائری زاده - ماده ۱۸ نظامنامه داخلی که در جلسه سابق هم مختصری بمرض آقایان رسانیدم وظائف کمیسیون بودجه را معین میکند مینویسد : مطالب ذیل راجع بآن کمیسیون است

فقره ۲ - تمام لوائح یا طرح قانونی که موجب تغییر دخل و خرج سال بعد است این لایحه هم بکلیه قانونی است و نمی شود گفت لایحه قانونی نیست دولت هم پیشنهاد کرده و مسلماً در بودجه ملک هم مؤثر است یعنی باعث کسر عایدات یا باعث از زیاده می شود و بموجب صریح این ماده مبیاستی نظر کمیسیون بودجه معلوم شود که موافق است یا مخالف است این مطلب را بنده عرض نمی کردم ولی چون آقای وزیر مالیه راجع بجمع ملکتی يك اظهاراتی در این مجلس کردند که بنده را مجبور کرد که تعقیب کنم

ایشان فرمودند بودجه خرج را وقتی تصویب کردید يك عایدات کلی هم در مقابل آن بوده که بالعظیم آن را هم تصویب کردید

اگر چه حق المرتع گرفتن از انومیل هم باشد من می بینم نظامنامه این را پیش بینی کرده که ما باید در تمام جزئیات سکه دولت می خواهد بپردازیم تا بعد از آنکه بهد در تمام اینها باید کمیسیون بودجه نظرش را اظهار کند و بنده معتقد هستم که این لایحه بکمیسیون بودجه مراجعه شود و علاوه يك فایده دیگری هم ممکن است عاید بشود

حاجز مالک - آقا فایده دیگر دارد اخطاریت است

حائری زاده - چون در این لایحه باید دوشور بشود بنابراین اگر کمیسیون بودجه باید مراجعه شود يك شور خواهد داشت باینجهت بنده اخطاریت کنم

سردار معظم خراسانی مغیر - در ارجاع بکمیسیون من خیال می کنم که آقای حائری زاده التفات فرموده اند از این نقطه نظر اگر ما وارد در حل قضایا بشویم هر تشکیلاتی و هر قانونی باید مراجعه شود به کمیسیون بودجه زیرا قهراً در ضمن اجرا مستلزم خرجی است

ملا قانون تشکیلات عدلیه می آید بجمع پس نیاید برود بکمیسیون عدلیه برای اینکه در ضمن اجرا مستلزم خرج است قانون مالیه می آید اینجا نیاید به کمیسیون مالیه برود باید برود بکمیسیون بودجه بجهت اینکه جنبه پولی دارد و بالاخره ممکن است در دخل و خرج ملکتی مؤثر باشد این لایحه فعلاً پول نیست این اساسی است که تهیه می شود و برای اجرای آن اگر دولت لازم بدارند اعتباراتی بخواهد یعنی برای اجرای این قانون که از مجلس می گذرد اگر لازم شد ضروریه و تقی و نقی و دفتر و غیره معین شود آنوقت باید اعتبار آنرا از مجلس بخواهد و آن لایحه را که مستلزم این خرج است بجمع بیآورند باید بکمیسیون بودجه مراجعه شود والا خود این لایحه مربوط بکمیسیون بودجه نیست برای اینکه نه داخلی است نه خرجی است ولی در مرحله ثانی چون اجرای آن مستلزم يك خرجی خواهد بود و همچنین مستلزم يك عایداتی است باید بکمیسیون بودجه مراجعه شود و در مرحله اول بکمیسیونهایی که صلاحیت داشته است مراجعه شده یعنی به کمیسیون خارج رفته است و از نقطه نظر تطبیق با مقتضیات سیاست خارجی بکمیسیون مالیه رفته از نقطه نظر وضع قانون مالیه و هیچ مورد ندارد که بکمیسیون بودجه مراجعه شود و همین دو کمیسیون که رفته است کافی است و برای اجرای این قانون اگر اعتباری لازم باشد آنوقت آن لایحه اعتباری است به

کمیسیون بودجه مراجعه شود - نایب رئیس - در خصوص اخطار روز قبل هم مذاکره شد و گویا محتاج به مراجعه بکمیسیون بودجه نباشد و گمان میکنم این موضوع مذاکره ندارد

رأی میگیریم برای دخول در شور مواد آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

ماده واحده - برای مساعدت با اتباع بی بضاعت ایران در مسالك خارج بر درجات ثلاثه موجوده تذکره يك درجه دیگر که قیمت آن دو قران و مدت اعتبار آن بکمال خواهد بود افزوده می شود و این نوع تذکره منحصر به عملجات و کارگران و کسبه بی بضاعت ایرانی خواهد بود

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب - اجازه

آقا سید یعقوب - بنده از بیانات آقای ارباب چون غالباً سوء استفاده نمی کنم و حسن استفاده می کنم باینجهت خواستم مغیر معترم را باین مسئله متوجه نسایم بلکه آن قانونی سکه در دوره چهارم از مجلس گذشت موفق شویم بوضع اجرا بگذاریم اما که در خارج رفته ایم اطلاع داریم که مأمورین ما در خارج از هر قانونی چه سوء استفاده هائی میکنند و همه هم مستعضر هستیم و در دوره چهارم هم عده از نمایندگان در تعقیب این مسئله پیشنهادی بجمعس تقدیم کردند و در آن پیشنهادها شورش و يك قانونی گذشت

مطابق قانون اساسی ما همه مان قسم می خوریم و فریاد میزنیم که قانون اساسی واجب الاجرا و واجب الاطاعه است و هر حرفی از آن مطابق با هزار نفوس ایرانی است ماده قانون اساسی مصرح است قانونی که از مجلس گذشت واجب الاجراست و باید اجرا شود بنده از آقایان نمایندگان مجلس که قسم می خورند و منهم حاضرین در حضور تمام شا قسم بخورم و امیدوارم که بر قسم خود نایت باشم و متزلزل نیاشم و هیچوقت هم متزلزل نداشتم که بگروم ز خلع کنم و يك روز نصب کنم

(جمعی از نمایندگان - بطور همهمه - از موضوع خارج است)

آقا سید یعقوب قانون اساسی را ما می خواهیم اجراء کنیم خارج از موضوع است یعنی چه ؟ عین موضوع است چطور اینکه شما میگوئید عین حقیقت است و اما اینکه بنده عرض میکنم خارج از موضوع است مطابق ماده ۴۷ قانون اساسی قانونی که از مجلس گذشت باید اجراء شود باید نمایندگان خارج که بر خلاف قانون اساسی هنوز آنها را نگاه داشته اند

(و بجه دلیل نگاه داشته اند) خواسته شوند پس شما ها که مطابق ماده دوم قانون اساسی باید قسم بخورید کجا هستید آیا فقط لفظش مراد است یا معنی آن من معنی آن را می خواهم من معنی قانون اساسی را می خواهم من اجرای قانون اساسی را می خواهم شما میگوئید قانون اساسی باید اجراء شود آنوقت میگوئید از موضوع خارج است کی مأمورین را در خارج نگاه داشته است ؟ و این ماده یکی از موادی است که خیلی نافع است بنده خودم در خدمت آقای مدرس شش ماه در اسلامبول بودم در طلب بودم در شام بودم دیدم بایرانهای بیچاره بی بضاعت چقدر سخت میکند و همیشه نصب العین من بود که اگر خدای موقنان کرد و بنهران آمدیم و يك موقعی پیدا کردیم که این حقایق را بتوانیم پیشگاه ملت عرضه بداریم که ما و زمین مادر خارج نسبت با اتباع ما ظالم و متعدی و بی انصاف هستند از این نقطه نظر بسیار يك شوق و شرف فوق العاده آن قانون را گذراندم این است که بنده در جواب آقای اشگر عرض میکنم شما که العبدالله ادیب هستند اتباع بی فقیر یعنی بضاعت بیس آن ایراد شما گمان میکنم متوجه نباشد با اتباع بی بضاعت ایران ممکن است مساعدتی بشود لکن نسبت العین من قانون اساسی است و بگوئید مانع اجرای آن کی بوده است ؟

مغیر - آقایان اجازه بفرمائید قبل از اینکه داخل در اصل مطلب بشویم چند کلمه در اطراف آن حرف بزنیم اگر بفرمائید کرات در این ماده بنیاید اقتدر ادامه بدهیم این مسئله ابتدا تصویب نخواهد شد ایشان سؤال و استیضاح کردند از وزارت خارجه بنده با آن قسمت کاملاً موافق هستم ولی مربوط باین ماده نیست و چون از حد و این ماده خارج شدند بنابراین بنده از آقای نایب رئیس خواهش میکنم که مواظبت بفرمایند از حدود مذاکرات در ماده خارج نشوند

نایب رئیس - آقای مشار اعظم موافقت یا مخالف ؟

مشار اعظم - مخالفم

نایب رئیس - بفرمائید

مشار اعظم - بطوریکه آقای وزیر خارجه توضیح دادند مقصودشان این بود که تذکره فقط برای بکمال و گمان میکنم نقطه نظرشان از این مسئله این بوده است که اتباع ایران که در خارج هستند و تذکره میگیرند معرفی بشوند و آنها را بشناسند شاید تمکن داشته باشند و بخواهند سالهای بعد قیمت تذکره را بمان بملتی که سال قبل بوده است بگیرند و در لایحه که از کمیسیون گذشته است نوشته شده که قیمت دو قران و مدت اعتبار بکمال خواهد بود

اگر مقصود خود تذکره است که این توضیح را لازم نداشته است برای اینکه

تذکره قانونی داده که يك سال به تر مدت ندارد و بنا بر این این توضیح لزوم نداشته است و اگر منظور این است که این قانون فقط در يك سال معتبر باشد این بیان عبارت اصلاح شود بنده گمان میکنم باید نوشت: قیمت آن دو قران و برای آن بکمال مدت معین خواهد شد) تا اینکه منظور وزارت خارجه هم تأمین شده باشد و منظور مجلس هم به عمل آمده باشد و مخالفتی هم با آن لایحه نشده باشد اگر هم دلایلی دارند که می خواهند بیشتر ادامه بدهند توضیح بفرمائید تا بنده هر ایضاً را بکنم

نایب رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب موافقت یا مخالف ؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده مخالفم

نایب رئیس - آقای امیر حشمت (اجازه)

امیر حشمت - بنده پیشنهادی کرده ام

نایب رئیس - آقای حاج عزالمالک (اجازه)

حاج عزالمالک - بنده موافقم

نایب رئیس - بفرمائید

حاج عزالمالک - برای بکمال آقای مغیر خوب توضیح دادند و بقیه من مسئله حل شد

بکمال مدت اعتبار تذکره است ولی تا قانون دیگری وضع نشده است تذکره ده قرانی معمول خواهد بود و البته هر ساله تجدید خواهد شد حالاً اگر آقایان پیشنهاد کرده اند پیشنهاد خوانده شود و در آن رأی گرفته شود بنده گمان میکنم به امید اینکه مأمورین مادر خارجه سوء استفاده میکنند نباشد باین قانون رأی ندادند همان طوری که آقای مغیر فرمودند رأی ندادن در این ماده يك تأثیرات بدی فراهم می آورد پس خوب است که آقایان موافقت بکنند و این ماده بگذرد بعد اگر يك نواقصی در نظر دارند در مجلس بیآورند مسئله حل خواهد شد

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است جمعی دیگر - کافی نیست)

نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد بنده پیشنهاداتی میفرمایم که رسیدن قرائت میشود و ارجاع بکمیسیون میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - وقتیکه مباحثات لایحه بطور کلی ختم شده باید مواد آن لایحه يك يك مباحثه شود

رئیس - در این خصوص از مجلس رأی میخواهد اگر در باب مباحثات ماده به ماده رأی داده نشد رئیس در لایحه را اعلام میکند و اگر مباحثات ماده به ماده قبول شد شروع به مباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصلاحات راجع مذاکرات به عمل می آید پس از آن در خصوص شور ثانوی مجلس رأی میدهد

در شور ثانوی در خصوص هر يك از

این تذکره منحصراً بمعاملات و کارگران و کسبه بی بضاعت و فقرای ایرانی است و سالی یکبار تجدید خواهد شد

بنده پیشنهاد میکنم چون درجات ثلاثه موجوده تذکره که اسم برده شده بطور ماده قانونی به تفصیل از مجلس نگذشته برای اینکه تصدیق ضمنی نشده باشد این يك درجه تذکره بطور تفکیک و بدون اشاره بدرجات ثلاثه مصرح و تصویب شود امیر حشمت بنده پیشنهاد میکنم در صورتیکه گیرنده تذکره بخواهد بیشتر از بکمال تذکره اعتبار داشته باشد میتواند سه آن را برداشته از دو سال تا هفت سال محتاج تجدید نباشد محمد هاشم میرزا بنده پیشنهاد مینمایم که قیمت تذکره کارگران اتباع بی بضاعت ایران بکفران باشد

ملک الشعراء بنده پیشنهاد مینمایم که قیمت تذکره را يك قران قرار دهند

دستفیب نایب رئیس - پیشنهاد بکمیسیون مراجعه میشود حالا رأی میگیریم برای شور ثانی - سردار معظم (مغیر) بنظر بنده پیشنهادات باید قابل توجه بشود

نایب رئیس - خیر در شور اول مراجعه به کمیسیون میشود بعد در شور دوم باید قابل توجه شود

سردار معظم - بموجب کدام ماده ماده را بفرمائید

تدین - در آخر نظامنامه جزمه مواد اصلاحی که خطی نوشته شده است اصلاحاتی که در شور اول از طرف نماینده پیشنهاد میشود پس از قرائت در مجلس مطلقاً باید به کمیسیون مربوطه بآن رجوع شود

سردار معظم - صحیح است

نایب رئیس - رأی میگیریم برای شور ثانی

سردار معظم - شور ثانی رأی ندارد باید برای روز شور ثانی رأی گرفته شود

نایب رئیس - خیر برای شور ثانی باید رأی گرفته شود - (خطاب به آقای آقامیرزا شهاب) - ماده پنجاه و هشت را بفرمائید

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - وقتیکه مباحثات لایحه بطور کلی ختم شده باید مواد آن لایحه يك يك مباحثه شود

رئیس - در این خصوص از مجلس رأی میخواهد اگر در باب مباحثات ماده به ماده رأی داده نشد رئیس در لایحه را اعلام میکند و اگر مباحثات ماده به ماده قبول شد شروع به مباحثات شده در باب هر يك از مواد و اصلاحات راجع مذاکرات به عمل می آید پس از آن در خصوص شور ثانوی مجلس رأی میدهد

در شور ثانوی در خصوص هر يك از

مواد لایحه و اصلاحات راجع رأی گرفته میشود بعد از این ترتیب يك رأی قطعی در کتبه لایحه داده میشود ولی قبل از دادن این رأی هر يك از نمایندگان حق دارد ملاحظاتی که بطور کلی در دریا قبول لایحه دارد اظهار نماید

نایب رئیس - آقایانی که با شور ثانی این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

سردار معظم - خواهش میکنم ماده ۷۹ را هم بخوانند

(آقای آقا میرزا شهاب بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ۷۹ هر اصلاح ناماده الحاقیه که در ضمن مباحثات اظهار میشود باید دلایل آن بطور اختصار بیان شود و در صورتیکه وزیر یا مغیر کمیسیون تقاضا نماید باید آن اصلاح یا ماده الحاقیه به کمیسیون رجوع شود

هر گاه ارجاع به کمیسیون تقاضا نشود در باب قبول توجه از مجلس رأی خواسته میشود

مجلس پس از استماع اظهارات مغیر به کمیسیون در این باب رأی میدهد

اصلاح یا ماده الحاقیه در صورت قبول توجه به کمیسیون ارجاع میشود

نایب رئیس - این ماده ۷۹ راجع بموارد فوری است که لایحه يك شور دارد در موقع يك شور پیش نهاد هائی که میشود باید در همان موقع رأی گرفته شود ولی این لایحه دوشور دارد در شور اول همان طور که آقای تدین فرمودند ارجاع میشود پیش نهاد هابه کمیسیون و در باب شور دوم همین طوریکه فرمودید عمل میشود و این ماده راجع به موارد فوری و يك شوری است

(جمعی از نمایندگان - صحیح است)

سردار معظم خراسانی - این ماده کلی است ولی با وجود این مجلس رأی داده

نایب رئیس - دو فقره راپورت از طرف کمیسیون هرايض است که به مجلس رسیده

آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده تقاضا میکنم آن لایحه که راجع به نسیخ و ننگرفتن مالیاتهای نوافل بود و آن تعمیلاتیکه در آن باب به مردم میشود مطرح شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟

(گفته شد - خیر)

آقای مدیر الملک

(اجازه)

مدیر الملک - بنده موافقم ولی میخواستم عرض کنم پیش نهاد راجع به تجدید نظر در قانون استخدام را جزو دستور بگذارند

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد

دراول دستور امروز بوده است و مختصر هم هست قبل قرائت شود

مخالفی نیست ؟

يك نفر از نمایندگان - خیر

(فقره اول بشرح ذیل قرائت شد)

آقای ملک الشعراء به موجب مراسله مورخه ۱۷ جوزا برای استیلاج يك هفته استجازه مرضی نموده بکمیسیون تصویب میکند که از روز ۱۲ جوزا تا يك هفته نماینده محترم با اجازه قیام باشند

سلطان العلماء - تازیش باید بیست و یکم باشد

آقای سید یعقوب - چرا ؟

سلطان العلماء - برای اینکه مودش گذشته است

نایب رئیس - رأی میگیریم به راپورت کمیسیون هرايض آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

(فقره دوم راجع به مرضی آقای آشتیانی بشرح ذیل قرائت شد)

آقای آقامیرزا هاشم آشتیانی به تجویز اطباء به ملاحظه اوجاع عصبانی و روماتیسم تقاضای چهار روز غیبت برای رفتن به آب گرم نموده کمیسیون تصویب میکند مطابق درخواست نماینده محترم اجازه مرضی داده شده و در مدت غیبت با اجازه ثبت شود

ابتدای مرضی از اول برج سرطان معذور شود

نایب رئیس - آقایانی که با راپورت کمیسیون موافقت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

لوايحي که شنب ارجاع شده بود چند فقره است اگر نظر خصوصی نسبت به بعضی از آنها هست در اینکه جزو دستور بشود ممکن است پیش نهاد بفرمایند والا یکی یکی جزو دستور شود

مدرس - چیز دیگری جزو دستور نیست ؟

نایب رئیس - خیر

آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده تقاضا میکنم آن لایحه که راجع به نسیخ و ننگرفتن مالیاتهای نوافل بود و آن تعمیلاتیکه در آن باب به مردم میشود مطرح شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟

(گفته شد - خیر)

آقای مدیر الملک

(اجازه)

مدیر الملک - بنده موافقم ولی میخواستم عرض کنم پیش نهاد راجع به تجدید نظر در قانون استخدام را جزو دستور بگذارند

نایب رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد

نهاد آقای تدین آقایی که تصویب میکنند
قیام نمایند .
(عده کثیری قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد .
(پیشنهاد راجع به مبلغ اضافه مالیات
نواقل بشرح ذیل قرائت شد)
مقام محترم مجلس مقنن شورای ملی
نظر باینکه برطبق اصل نود و چهارم
رئود و ششم متمم قانون اساسی هیچ قسم
مالیات برقرار نمیشود مگر بحکم قانون و
تصویب مجلس شورای ملی .
نظر باینکه در ادوار فترت اضافاتی
بر مالیات نواقل منظور شده که اولاً بر
خلاف صریح قانون مصوب مالیات نواقل
و ثانیاً موجب زحمت و خسارات عظیمه برای
کسبه و زارعین و تجار و غیره گردیده است و به علاوه
در نقاطی قانون بموقع اجرا گذاشته شده
که مشمول قانون مزبور نیست
نظر باینکه حفظ قوانین مصوبه و
نظارت در اجراء آنها از وظائف حتمیه
مجلس شورای ملی است لهذا ما امضاء
سکندگان ذیل از مجلس شورای ملی
تقاضای می نمایم بدولت تذکر داده شود که
فقط قانون مصوب مالیات نواقل را در
نقاطی که مشمول قانون مزبور است بموقع
اجرا گذاشته و از تعصبات خلاف قانون و
اضافاتی که از مردم گرفته میشود قطعاً
مانعت نمایند .
نایب رئیس - آقای تدین .
(اجازه)

تدین - بنده تصور میکنم این موضوع
بقدری واضح است که تمام نمایندگان محترم
یعنی از وضعیت مستعزضند که محتاج بتوضیح
و تفصیل نباشد ولی برای اینکه بیشتر این
موضوع توضیح داده شده باشد راجع باین
پیشنهاد بطور اختصار مطالبی را عرض
میکنم در قانون اساسی همانطوریکه در این
پیشنهاد اشاره شده است در خصوص مالیه
و وضع مالیات اصولی را در نظر گرفته و
نظردر مالیات منسک، رامنصر اختصاص
داده است بمجلس شورای ملی این یکی از
وظایف حتمیه و وظائف اولیه مجلس شورای
ملی است که باید نظر داشته باشد در مالیاتهای
منسکی و تصویب مالیات از وظائف مجلس
شورای ملی است و ثانیاً مجلس نظارت باید
بکنند که تعدیاتی از طرف اشخاص نسبت
بوصول آن مالیات ها نشود . اصل نود و چهارم
از متمم اساسی اینطور میگوید هیچ قسم
مالیات بر قرار نمیشود مگر بحکم قانون
یعنی آن قانونی که مجلس شورای ملی
تصویب کند اصل نود و ششم میگوید میزان
مالیات راهه ساله مجلس شورای ملی تصویب
و تعیین خواهد کرد (بنابراین برای مردم
اصل در دوره دوم مجلس شورای ملی در
تاریخ پنجم ربیع الاول ۱۲۲۸ هجری
قانونی از مجلس گذشت است راجع بمالیات
بلدی در این مصریع کرده است که از

وسائط نقلیه از هر کدام چه مقدار در ماه
باید گرفت که يك قسمتش را بر سر آقایان
میرسانم . اول در شبکه مطلقاً دوازده فران
۲- کالسکه و لاندو مطلقاً پانزده فران .
۳- چهار چرخه بارکش چهار فران .
دو چرخه بارکش دو فران و دهشاهی
دلجان و امنی پانزده فران . چرخهای دستی سیار
مخصوص کسب يك فران . اتوموبیل پنج تومان
و اکنون اتوموبیل هر یکی سه فران . کاریك
تومان . دو چرخه سواری پنج فران . و لوسیوت
بخاری (موتوسیکل) پنج فران . است و قاطر
و شتر اهم از اسب کالسکه و در شبکه و کاری
سواری یا باری دو فران . الاغ سواری يك
فران . الاغ باری دهشاهی . گاوه را به کش
يك فران بمردور این قانون اینطور تصریح
شده است که مالیاتهایی که برای مصارف
مزبوره از وسائط نقلیه که از خارج داخل
شهر میشود در هر دهمه ورود دریافت خواهد
شد برقرار ذیل است:
اول- از هر کاری بدون ملاحظه عده
اسب چهار فران . دو چرخه بارکش بدون
ملاحظه عده اسب يك فران . چهار چرخه
بارکش بدون ملاحظه عده اسب دو فران .
کالسکه و در شبکه بدون ملاحظه عده اسب
سه فران . اتوموبیل يك تومان و اکنون
اتوموبیل شش فران دلجان . چهار
فران . گاوه بارکش و الاغ سه شاهی . قاطر
و اسب و بابو پنج شاهی . شتر شش شاهی
ماده دوم- انجمن بلدی هر شهری از
بلاد ایران اگر متمنضی و صلاح بداند - حق
دارد که بر ارض شاری (یعنی چند صد يك) با توابع
شمار نسبت باصل مالیات بلدی
وسائط نقلیه برای همان شهر تصویب نموده
بتوسط حاکم بوزیر داخله پیش نهاد کند
که پس از تصدیق بصورت لایحه قانونی به
مجلس تقدیم نماید .
این قانون همان طور که عرض کردم در
سنه بیست و هشت هجری تصویب شده که
از آن تاریخ به این طرف بطوریکه بر همه
آقایان واضح و همدست يك اضافاتی و
تعصباتی برخلاف این قانون بر مردم شده
است و به علاوه این قانون مخصوص به مالیات
بلدی است آقایانی که از ایالات و ولایات
تشریف آورده اند تصدیق میکنند که هر جا
میلشان بوده است يك چوب کشیده اند به
اسم نواقل (گفته شد صریح است)
بنده در چندی قبل که بزیارت عتبات
عالیات مشرف بودم مخصوصاً متوجه بودم که
وضعیات بین راه مردم و سکنه را در نظر
بگیرم یکی از آن وضعیتهائی که واقفاناً
اسباب تأسف و موجب زحمت برای مردم
شده است این است که در هر کوره دمی
يك چوب فقط مایه اش است و بس هر کس
در آنجا وارد شود پول نواقل باید بدهد و
حال آنکه قانون اینجا تصریح دارد قانون

مالیات بلدی را از وسائط نقلیه بلاد باید
گرفت و حتی نصیبات را هم شامل نمیشود
چهار چرخه بارکش که نصیبات عده که نزدیک شهر
باشد حتی بنده در آساید مرفوضیاتی را
دیدم . در ابتدای آساید يك کوچه است
که داخل آساید میشود از کنار راه دو
مقابل آن کوچه باج خانه ساخته اند که از
مسافرین باج راه میگیرند از این طرف
يك چوبی هم آنجا انداخته برای نواقل
دهانهای که میخواهند از آن طرف بیایند
و بروند باسد آباد یا بهمدان باجی دیگر باید
مالیات نواقل بدهند ولی مسافرین برای
اینکه زیر بار این تعصبات نروند از آن کوچه
آساید که آخرش باز بوده است وارد
میشوند و از این طرف آن چوب میرفته
بهمدان . قکری بنظر ما مودرین نواقل افتاده
است یعنی آخر آن کوچه را دیوار کشیده
بودند برای اینکه راه رعیت بکلی مسدود
باشد و معاصره شده باشد فقط باید بیاید از
نیم فرسخی داخل آن راه معمولی تا اینکه
مرش با ن چوب بخورد . آن چوب رنگین .
و نواقل بدهد و بروند و هم چنین سایر جاها .
فرض اصل از حکومت ملی و حکومت مشروطه
حسن اداره است و رفع ظلم و تعدی از نفوس
يك مملکت است . (گفته شد - صریح
است)
بنده در هفت هشت سال قبل وقتیکه
رفتم برشت دیدم که آنجا از آدم نواقل می
گرفتند و این حقیقت است و ترتیبش این بود
که يك چوب بلدی اشخاص که از خارج چار
میآوردند بدوش میگردند با دو زنبیل سکه
يك زنبیل با ن سرچوب و يك زنبیل بسردیگر
چوب یا بای بیاده بشهر میآوردند چون این
آدم بود با مال نیاید از او بقدر يك باری
سکه با مال بیاید نواقل میگردند و بیط
می دادند .
مشاهرا عظم - همچو چیزی نیست
تدین - در رشت بود گوش نیدهید
عصبانی هم میشوند عصبانی نمیشوم . . .
مدرس - بنده امسال رفتم همین
طور بود .
تدین - اینطور بود به علاوه اجتهاد در
مقابل نص جائز نیست
مشاهرا عظم - نیست نیست
تدین - آقایان به بین انجمن چایز نیست
حتی در زمانیکه آقای سردار منظم خراسانی
آنجا بودند اتمامی در این باب کردند که
این مسئله منسوخ شود مملکت ما رفته رفته
یکصورتی پیدا میکند و پیدا کرده است که
از آدم هم نواقل میگیرند مالیات میگیرند و
این نواقلی که از بارها لیکه وارد شهر میشود
گرفته می شود هر نوع باشد هر قسمی که
باشد مادام که قانون مصوبه نباشد برخلاف
قانونست و نباید بگیرند متأسفانه ملت ایران
يك ملتی است که زیر بار ظلم میروند اگر
ملت ایران يك ملتی بود که دفاع از حق خودش
میکرد ابتدا این تعصبات بموقع اجرا گذارده
نمیشد .

من حالا میخواهم تحریک بکنم ملت
ایران بی اندازه نجیب است و حاضر نمیشود
برای این قبیل قضایا و بهین علت هم هست
که حاضر شده است مجلس درست کند و
نمایند بفرستد که آن مجلس بفریادش برسد
و بدرش بخورد
بنابر این ماها هم وظیفه داریم که
تا اندازه ای که میتوانیم رفع تعدی از مردم
بکنیم .
بلاویز نواقل شهری يك مالیاتی هم
اضافه شده است بنده کار ندارم که این
اضافات کم یا زیاد است اعتراض بنده از
این نقطه نظر است که برخلاف قانون است
و چون برخلاف قانون است و به علاوه اشخاصی
که صاحب وسائط نقلیه هستند به استثنای
اتوموبیل که اهیتی ندارد آنهم وقتیکه قانون
وضع بشود این را بنده عرض میکنم که
تصور نشود از اتوموبیل دارها یا اتوموبیل
ندارها ملاحظه میکنند .
خودم اتوموبیل سوار نیستم و اتوموبیل
هم ندارم ولی بدم هم نیاید که اتوموبیل
داشته باشم بهر صورت اگر ملاحظه کنیم
می بینیم که اکثریت با در شبکه و چهار
چرخه و کاری و غیر ذلك است يك اجعافات
و تعدیاتی شده است که کار برخلاف
قانون مالیات بلدیست .
بنابراین تقاضا میکنم که بدولت
تذکر داده شود و بدولت وقت نوشته شود
که از تمام این تحصبات و اضافاتی که در
همه جای ایران برخلاف قانون بر مردم
شده است جلوگیری کند که از این تاریخ
به بعد این تعصبات نسبت ب مردم نشود . .
مدرس - موافق قانون گرفته شود
تدین - بلی قسمت دوم که جز تعصباتی
ما است این است که این قانون را در جاهائی
بموقع اجرا گذارند که مشمول این قانون
باشد یعنی در شهرها نه در دهات و سر-
گردنها و غیره .
نایب رئیس - آقای عماد السلطنه
(اجازه)
عماد السلطنه - موافقم
نایب رئیس - آقای سالار لشکر
(اجازه)
سالار لشکر - بنده مخالفم فرمایشاتی
که آقای تدین فرمودند بطوری جامع
و تمام بود که البته آقایان خیلی تعجب خواهند
کرد که من مخالفت میکنم .
این پیشنهاد کلیتاً موافق قانون و
برای این است که قانون بموقع اجرا
گذارده شود ولیکن در این چند سال که
تعصباتی پیش آمده آنرا بدوشکل می
توانم منظم نمود یکی در شهرها و یکی در
قراه و طرق
يك مسائلی است که در شهر تهران
پیش آمده و يك مسائلی است که در دهات
و طرق اگر ما این پیشنهاد را با اجرای
بهمم و اینها را با هم فانی کنیم نتیجه

این خواهد بود که بلدی طهران بکلی
منحل شود و ما اینجا میخواهیم برای ملت
کار کنیم از یکطرف اگر بطور اجال
و بطوریکه آقای تدین فرمودند برای بهمیم
در ضمن آن تعدیاتی که در خارج می شود
بلدی طهران هم منحل خواهد شد البته در
خارج طهران يك تعدیاتی میشود که بر
خلاف قانون از قراه و نصیبات يك مالیاتی
گرفته میشود این را بنده مخالفم که در
قراه از قبیل آساید و کنگاور و سخته
نواقل گرفته شود ولی بطور کلی يك بلدی
که در طهران باعث تیزی و باعث روشنائی
شهر شده است بالمره این مجلس آن بلدی
را منحل کند اسباب کدورت اهالی شهر
میشود
(همه به بین نمایندگان)
سالار لشکر - آنوقت خود آقایان
شکایت خواهند کرد که کوچه ها تیز نیستند
الکتریست ندارد ده روز دیگر همین
شکایت را خواهید کرد يك تعاونی مختلفی
لذا بنده عقیده ام اینست که در این مسئله
وجه حل این مسئله آن پیشنهادی است
که جمعی از آقایان کرده اند نسبت ببلدی
در تحت سه ماده راجع بتجدید نظر در
امورات بلدی و البته آقای تدین بطوری
جامع فرمودند که هر ایضی را که بنده
میکنم ممکن است تکذیب کنند و البته از
اجعافات و تعدی که از این طرق نسبت
ب مردم میشود باید جلوگیری شود ولی در
مقابل محسوسات و مسائلی که در شهر تهران
هست بنده مخالف این پیشنهاد هستم زیرا
که اگر ما باینستنه رای بدهیم علاوه ببلدی
طهران ملتی است و بنده این مسئله را
فقط برای طهران عرض میکنم زیرا در
ولایات اصلا بلدی نیست .
درهمدان رئیس بلدی هست اما بلدی
نیست در آذربایجان نیست و بنده تصور
میکنم که شهر طهران را باید استثنا کرد
و در ضمن تذکری باید بدولت داده شود
که لوائح قانونی که نسبت ببلدی طهران
هست رود تر بیارند و عقیده بنده تصدیق
باین پیشنهاد منحل کردن بلدی طهران
است و بنده مخالفم فقط از نقطه نظر شهر
طهران است و آنچه سکه خارج از شهر
طهران است بنده کاملاً موافقم ب-واسطه
اینکه هیچ اهیتی ندارد و عملی هم میشود
و این مسئله محسوس است که در چند سال
پیش در کوچه های طهران ابتدا چراغ
نبود و همه ماها هم از این کوچه ها عبور
میکردیم و می دیدیم
پس مخالفت بنده فقط از نقطه نظر
بلدی طهران است و حالا آقایان بخوانند
و هر نوع میخواهند رای بدهند
رئیس - آقای تدین .
(اجازه)
تدین - اینجا شاهزاده سالار لشکر

يك اشتباهی فرمودند .
بنده مقصودم این نیست که بلدی طهران
منحل شود و منحل هم نمیشود . اولاً بلدی
طهران يك بلدی قانونی نیست بلکه يك
اداره دولتی است هر وقت بلدی قانونی
درست شد یعنی اهالی طهران انجمن بلدی
انتخاب کردند که بروند در آنجا بنشینند
صحبت کنند و رای بدهند بعد هر چه رای
دادند باید در مجلس و در مجلس تصویب
شود آن وقت بلدی طهران بلدی قانونی
است تا آنجا این پولها نمی که از بارها لیکه
بشهر میآید میگیرند بخراشه میروند و ببلدی
ابتدای کار نمی دارد . مطلب دیگر طهران عبارت
از قسمت شمال فقط نیست عبارت از قسمت
جنوب هم هست . شما ملاحظه معله بازار
را هم بکنید .
ملاحظه چاله میدان را هم بکنید ملاحظه
سنگج را هم بکنید که نه استفاده از تنظیم
می کنند و نه استفاده از روشنائی می کنند
تمام این تعصبات نسبت باغلب کسانی میشود
که در آن طرف شهر هستند و آنوقت
پولها خرج طرف شامک میشود چرا باید
اینطور باشد که همه اش بصرف خیابانهای
سمت شمال میرسد . خیابان اسماعیل بیاز
هم حق دارد خیابان پای قاپ هم حق دارد
آنها يك اجعافات است که تا کنون شده است
و حالا میخواهند بفرمایند در عین اینکه
بلدی منحل نمی شود (يك پولهای از مردم
بگیرند و ضمناً تصدیق بکنند يك خلاف
قانونی را زیرا خودشان میگردند قانونی
نیست و در این صورت هم يك قسمت شهر-
آباد و قسمت دیگر شهر روچار بدهی
خواهند بود بنابر این مقصود بند این است
که اگر امروز شما باین تذکر رای ندهید
معنایش این است که تمام این تعصبات را تصویب
کرده اید .
معاون وزرات مالیه - پیشنهادیکه شده
واظهاراتی که می شود از طرف آقای تدین
و آقایان نمایندگان اینها يك مطالبی است
که در ضمن وظیفه افراد گذاشته شده است
خاصه کسانی که بانک سستی برای انجام يك
کارهای
چند نفر از نمایندگان - آقایان بلدی تر
بفرمایید .
معاون وزرات مالیه - اگر قدری تأمل
بفرمایید و دهه نهم نهم صدای بنده را
می شنوید . بنده بلند تر از این نمیتوانم حرف
بزنم . عرض میکنم واضح است که دولت
همیشه متکی و مستظهر است باینکه اصلاح
صلیاتی را که بر طبق قوانین میکند تکمیلش
باین قبیل مقارکرات بشود مکرر در این
باب مذاکره شده است و این هم يك مسئله
سلمی است و آقایان نمایندگان هم يك
وظایف و تکالیفی دارند که برای انجام آن
تکالیف و وظایف در اینجا آمده اند و
نیتوانند عفو و افاض بکنند و آنچه را که
مخالفت میکنند بر طبق تکالیفشان است و

واضح هم هست که مسائل مالی هم و ما
بوده هم از جمع و خرج یکی از وظایف
مختصه بمجلس شورای ملی است که نسبت به
صنعه از جمع و خرج مملکت و هر قلمی که
از این قبیل در مملکت میگذرد باید گفت
و گویند مذاکره کرد اصلاح کرد و
مسلم هم هست که آنچه راجع باین قبیل
قضایا (خاصه نسبت بمسائل مالی) که در
مجلس شورای ملی گفته میشود نتیجه این
مذاکرات عبارت از يك مساعدت ها و کمک
هائی است که به نفع مسامی مشترک بین
دولت و مجلس باید بعمل بیاید . من جمله
يكی مالیاتها و هوارضی است که در این
مدت غالباً اتفاق افتاده است که در مجلس
شورای ملی موضوع بحث بوده است جلسات
عده ای اتفاق افتاده است و نسبت بمسائل
اصول مالیاتهای غیر قانونی يك مباحثات و
مذاکراتی شده است و آنچه هم که در این
باب گفته شده است با نتیجه يك موافقت نظری
بوده است بین مجلس و دولت . اما اینکه چه
باید کرد که يك صورتخانه پیدا کند این
مطلب هنوز گفته نشده است و بنده تصور
میکنم که باید بطور آرامی يك طریقه برای
خانه دادن باین ترتیب اتخاذ شود اگر
خوب توجه بفرمایید شاید بعضی جملات
هم در این مذاکراتیکه می شود باشد که
تکرارشان مناسب نباشد و توضیح اینکه این
بلدی قانونی است یا غیر قانونی و بسی
مالیاتها قانونی است یا غیر قانونی اینها يك
مسائلی است که باید در يك کمیسیون هم داخل
کرد و آنچه در مجلس مذاکراتی میشود
بطور خلاصه باشد . حالا باید برویم دنباله يك
طریقه که ما را به نتیجه برساند .
دولت و وزارت مالیه که يك مسئله مستعدی
اینکار است نسبت بهمین جمله که غالباً
مذاکره میشود املاهایی دارد فرض هم
بکنیم که وزارت مالیه بطوری خود درصدد
این نباشد که يك جرح و تعدی نسبت باین
قبیل مالیاتها بکنند لاقول همین سئولات و
مذاکرات که در اینجا می شود يك تکلیف
آنی و فوری برای وزرات مالیه معین می-
کند که مسلم باید بلافاصله او قاتش را صرف
بکنند و این را به صورتی در بیارند و مشغول
هم هست و بالاخره گمان میکنم در ظرف
همین سال چه بخواهیم چه نخواهیم چه
مشکل رو چه سهل ناچار باید این مسائل يك
سورت قانونی پیدا کنند و نسبت باین
مسئله البته پیشنهادها می شده است که در مورد
خودش . جرح و تعدیاتی باید بشود و نتیجه
بهست خواهد آمد ولیکن اعتقاد بنده این
است که نظریه نمایندگان محترم که البته
مقصودشان رفاهیت و رعایت حال مردم و
مؤدیان مالیات است و پس از آن (اینجا
خودم شیوه دارم که که با هم بفرمایند باید
همین بکنیم) پس از آن حتماً باید بودجه

جمع و خرج ملک نسبت باین قبیل مسائل (اگر آقایان اجازه بفرمائید) طرحی است پیشنهاد شده است و اتفاق همان نظر پائی که دولت دارد و هنوز هم مشغول هستند که ترتیبی بآن بدهند باید یک کمیسیون مربوطه یا کمیسیون مخصوص ارجاع شود که نسبت به جزئیات و کلیات آن مذاکره شود و نمایدگان که از مجموع نظر نمایندگان دولت و نمایندگان که از طرف مجلس معترم در آنجا حاضر خواهند داشت نظر مشترک در اتخاذ شده و برض مجلس برسد و در آن موقع نزدیک بشویم بیک تصمیمات قطعی ولی بنده همیشه معتقدم که هر چه که نسبت باین قبیل مسائل که عبارت است از مالیات و هوایه ملکیتی برای هر یک تصمیمات قطعی اخذ نمی شود مگر اینکه ضمناً تکمیل شده باشد فراموش نشود باز هم تکرار میکنم که اگر یک مالیات یا یک ندم از جمع و خرج ملکیتی برخلاف رویه باشد همان اندازه که محل توجه مجلس شورای ملی است در مؤسسات وزارت خاها و ادارات مربوطه هم محل توجه هست و همین جهت است که جداً تعجب میکنم که منتهی اینست که راه حلی برای او باید پیدا بکنند که همان کسی برای مجلس شورای ملی خواهد بود.

بنابر این بنده معتقدم که اگر آقایان مقتضی بدانند (مثلاً راجع بیک عنوان دیگری یا نسبت بیک از صیغ عایدات که فردا در مجلس اظهار میشود) چه ضرر دارد آن کاری را که در آخر می خواهیم بکنیم اول بکنیم یعنی بیک کمیسیون مخصوص یا کمیسیونی که مربوط باینکار است مراجعه بشود که در آنجا مذاکره بعمل آمده و به نتیجه طرز وصول این مالیات و مقدار عایدی آن در سال چه قدر است و میزانش نسبت بیوجه ملکیتی چه نوع است آنوقت تصمیمی که باید اتخاذ شود به عرض مجلس مقدس شورای ملی برسد.

نظر عمل هم مسائل را نگاه کرد ثانوی اساسی دارای یک موادی است که من جمله اینکه مالیاتی نباشد گرفت مگر به تصویب مجلس شورای ملی ولی یک مواد دیگری هم دارد که بنده خیلی عزیزم خواهم از اینکه چند ماده از قانون اساسی را برای تذکر بعرض رسانم و بعد برسم بمطلبی که میخواهم بعرض آقایان برسانم (اصل) - تمام افراد مرد از حیث جان و مال و مسلکی و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین ملکیت معین مینماید اصل دهم - غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تصدیقات همه هیچ کس را فوراً نمیتوان دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت با اطلاع شود - اصل دوازدهم حکم و اجرائی هیچ مجازاتی نباشد مگر بموجب قانون) همین طور اصولی که بنده میباید تمام این اصول را آن روز که مقضی وضع کرده است البته خودش هم ملتفت بوده است که در بعضی موارد بوقوع اجرا گذاشت باید آن قوانین را وضع کرد و بعد موافق آن قوانین هم عمل نمود اگر ما میخواهیم بگوئیم عملی که امروز برخلاف قانون میشود باید آن عمل را مانع شد و جلوگیری کرد اگر این حرف را بطور کلی میزنیم صرف نظر از اینکه چه نتایجی در موقع عمل میدهد البته صحیح است ولی باید به نتیجه که صلاح خواهد شد اگر بخواهیم بموجب این اصول عمل کنیم از فردا هیچ کس را نشود در این ملکیت در مجلس نگاه داشت تمام اشخاصیکه در تنظیم گرفتار هستند و بالاخره هر کس دزدی کرده و مرتکب قتل یا غارتی شده تمام این اشخاص را باید رها کرد.

نظر عمل هم مسائل را نگاه کرد ثانوی اساسی دارای یک موادی است که من جمله اینکه مالیاتی نباشد گرفت مگر به تصویب مجلس شورای ملی ولی یک مواد دیگری هم دارد که بنده خیلی عزیزم خواهم از اینکه چند ماده از قانون اساسی را برای تذکر بعرض رسانم و بعد برسم بمطلبی که میخواهم بعرض آقایان برسانم (اصل) - تمام افراد مرد از حیث جان و مال و مسلکی و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبی که قوانین ملکیت معین مینماید اصل دهم - غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تصدیقات همه هیچ کس را فوراً نمیتوان دستگیر نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه برطبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت با اطلاع شود - اصل دوازدهم حکم و اجرائی هیچ مجازاتی نباشد مگر بموجب قانون) همین طور اصولی که بنده میباید تمام این اصول را آن روز که مقضی وضع کرده است البته خودش هم ملتفت بوده است که در بعضی موارد بوقوع اجرا گذاشت باید آن قوانین را وضع کرد و بعد موافق آن قوانین هم عمل نمود اگر ما میخواهیم بگوئیم عملی که امروز برخلاف قانون میشود باید آن عمل را مانع شد و جلوگیری کرد اگر این حرف را بطور کلی میزنیم صرف نظر از اینکه چه نتایجی در موقع عمل میدهد البته صحیح است ولی باید به نتیجه که صلاح خواهد شد اگر بخواهیم بموجب این اصول عمل کنیم از فردا هیچ کس را نشود در این ملکیت در مجلس نگاه داشت تمام اشخاصیکه در تنظیم گرفتار هستند و بالاخره هر کس دزدی کرده و مرتکب قتل یا غارتی شده تمام این اشخاص را باید رها کرد.

نایب رئیس - اگر آقایان موافقت چند دقیقه تفکر داده شود (جمعی از نمایندگان صحیح است) (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید) نایب رئیس - آقای عباد السلطنه موافق بودید هاد السلطنه - بلی نایب رئیس - آقای داور داور - البته از نقطه نظر اصول و کلیات بیاناتی را که آقای تدین فرمودند تمام صحیح است ولی بنده همیشه معتقدم که باید اصول را تبعیضی نکنیم در مواردی که

یعنی بیک کمیسیون مخصوص یا کمیسیونی که مربوط باینکار است مراجعه بشود که در آنجا مذاکره بعمل آمده و به نتیجه طرز وصول این مالیات و مقدار عایدی آن در سال چه قدر است و میزانش نسبت بیوجه ملکیتی چه نوع است آنوقت تصمیمی که باید اتخاذ شود به عرض مجلس مقدس شورای ملی برسد.

بنابر این بنده معتقدم که اگر آقایان مقتضی بدانند (مثلاً راجع بیک عنوان دیگری یا نسبت بیک از صیغ عایدات که فردا در مجلس اظهار میشود) چه ضرر دارد آن کاری را که در آخر می خواهیم بکنیم اول بکنیم یعنی بیک کمیسیون مخصوص یا کمیسیونی که مربوط باینکار است مراجعه بشود که در آنجا مذاکره بعمل آمده و به نتیجه طرز وصول این مالیات و مقدار عایدی آن در سال چه قدر است و میزانش نسبت بیوجه ملکیتی چه نوع است آنوقت تصمیمی که باید اتخاذ شود به عرض مجلس مقدس شورای ملی برسد.

بنابر این بنده معتقدم که اگر آقایان مقتضی بدانند (مثلاً راجع بیک عنوان دیگری یا نسبت بیک از صیغ عایدات که فردا در مجلس اظهار میشود) چه ضرر دارد آن کاری را که در آخر می خواهیم بکنیم اول بکنیم یعنی بیک کمیسیون مخصوص یا کمیسیونی که مربوط باینکار است مراجعه بشود که در آنجا مذاکره بعمل آمده و به نتیجه طرز وصول این مالیات و مقدار عایدی آن در سال چه قدر است و میزانش نسبت بیوجه ملکیتی چه نوع است آنوقت تصمیمی که باید اتخاذ شود به عرض مجلس مقدس شورای ملی برسد.

ولیکن آن وقتش را که باید اقدام کرد راجع بانجاهائی است که شهر نیست و بلدی ندارد ولی مخصوصاً بلدی شهر طهران که يك اقداماتی کرده و معلوم نیست ترتیب آن چه میشود همین صد و خورده ای دووانه که جمع کرده اند معلوم نیست که باید بروند و این مسأله که باید بکنند این است که اگر یک کمیسیون بدهند که در آن مدت بروند یک کارهایی بکنند و در کمیسیون مطالعاتی عمل آید که با یک نظر دقت اینکار بگذرد بهتر است و بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

نایب رئیس - آقای عباد السلطنه عباد السلطنه - بنده خیال میکنم که اصل موضوعی که آقای تدین و دیگران فرمودند راجع بمشله نواقل بود و کم کم دارد یک مسائل دیگری داخشی می شود همانطور که آقایان پیشنهاد کرده اند بنده راجع بمشله نواقل و آن پولهای بی قانونی که در راهها از مردم گرفته میشود کاملاً مخالفم ولی راجع بعضی مالیاتهای غیر قانونی چون در جمع و خرج ملکیت دخالت دارد آن را باید مجلس غرض عین بکنند .

نایب رئیس - آقای سر کشیک زاده سر کشیک زاده - بنده عقیده خود را می گویم اما اینکه بعضی از آقایان میفرمایند چه میشود اگر آن مالیات نواقل گرفته نشود بنده عرض میکنم هیچ طور نمیشود بنده برای اینکه خوب احتیاط کرده باشم آنان رفتم باین در کمیسیون بودجه صورت جزئی را که وزارت مالیه داده است مطالعه کردم ابتدا بهیچ وجه من الوجوه از پایت نواقل ایالات و ولایات و طرق که از مردم گرفته میشود یک دینار در جمع دولت نیامده است اگر آمده است بکنفرانس آقایان بگویند در اینصورت اگر امروز نواقل را موقوف کردیم چه عطف وارد میشود ؟ یک شتر از قزوین حرکت کرده از راه بیابان عبور میکند بر میخورد بدلیجان معلات و آن وقت نواقل و آن باج کدائی را از او میگیرند باز از بیابان بی آب و علف عبور میکند ده آباد ده فرسخی زیر کاشان نواقل از او میگیرند اینجا چرا از او نواقل میگیرند ؟ برای این میگیرند که شهر کاشان را تنظیف بکنند ؟ بآن شتر دار بدبختی که از قزوین عبور میکند و آنجا میروند با یک گراب مختصر باو باید تحویل بشود در شهر ها هم آنطور تنظیفات که باید بشود که

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

بنده کاملاً موافقم ولی باین شکلی که این مسئله آمده است بمجلس فوری تصویب شود این یک قدری تولید اشکال میکند اینست که بنده (و خیردارم بکنم) دیگر از آقایان من جمله آقای سردار معظم پیشنهاد کرده ایم (که این طرح بر گردد بکمیسیون و در آنجا مطالعه شود .

(جمعی دیگر کافی نیست)
 نایب رئیس - مذاکرات کافی است؟
 (جمعی گفتند کافی است و برخی اظهار نمودند کافی نیست)
 نایب رئیس - رای میگیریم تکفایت مذاکرات
 (پاره از نمایندگان - مذاکرات در چه چیز)
 نایب رئیس - در این مطلبی که مطرح بود - بعد از آن پیشنهادهایی که تقدیم شده است قرائت میشود - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند -
 (عده قلیلی برخاستند)
 نایب رئیس - تصویب شد - آقای سر - کسب کراهه
 (اجازه)
 (بعضی از نمایندگان - آقا بماند برای جلسه بعد
 عداد النظمه - بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود
 نایب رئیس - هر کس پیشنهاد دارد بدهد
 سردار معظم - بنده مخالفم با ختم جلسه
 نایب رئیس - هنوز پیشنهاد نشده است آقای سر کسب کراهه حق نطق دارند
 عداد النظمه - بنده پیشنهاد داده ام حضرت الدوله - پس پیشنهاد ختم جلسه را بخواهند بعد ایشان حرف بزنند -
 (پیشنهاد آقای عداد النظمه بشرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود
 (عداد النظمه)
 (بعضی گفتند - صحیح است)
 سردار معظم - خوب است آقای سر - کسب کراهه صبر کنند این موضوع حل شود
 سر کسب کراهه - (خطاب بنایب رئیس)
 اجازه بنده محفوظ است
 سردار معظم - بنده با این پیشنهاد مخالفم - اولاً در هر مطلبی نمیشود با بلند گفتن (مذاکرات کافی است) یا ما (موافقم) مطلب را خل شده و صحبت را کافی تصور کرد بر فرض يك دونفر مخالف باشند باید ولایت خودشان را بگویند
 عداد النظمه - آقا اجازه بدهید بنده توضیح بدهم
 سردار معظم - بلی - آقا توضیحشان را بفرمایند مقدم است
 عداد النظمه - همین دلیلی که آقای سردار فرمودند دلیل من بودنم خواستم که آقایان بدون اینکه مطالعه در اینکار بکنند رای ندهند من هم میخواستم آقایان در اطراف گفتنیان فکر بکنند آن وقت يك رای فهمیده بدهند

نایب رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)
 سردار معظم - بنده تصور نمی کردم آقای عداد النظمه در ضمن يك پیشنهاد که باید توضیح بدهند تذکر بدهند که همان هفتی که باعث مخالفت من بود اسباب آن خواهد شد که تصور بکنند آقایان نمایندگان فهیید رای بدهند در صورتیکه این مطلب بقدری سهل و ساده است که هیچ محتاج باین مقدار مذاکرات نبود
 چرا بواسطه اختلاف در مقیده نمایندگان از انتقال از این جلسه جلسه دیگر که شاید نیم ساعت بیشتر از ظهر نگذشته باشد باید این حرف زده شود - اما من که مخالف هستم با ختم جلسه برای این است که در ضمن مذاکرات حرفهایی زده شد که بهر قیمتی هست باید بقیه من ولو به قیمت گریستن خودمان هم باشد يك قدری جلسه را ادامه داده و این حرفها را خاتمه بدهیم
 در اینجا در مجلس گفته شد بلدی برخلاف قانون است. حقاً این چه حرفی است وقتی که...
 بعضی از نمایندگان - (بلور همه آقا خارج از موضوع است)
 نایب رئیس - آقا مذاکره راجع بختم جلسه است
 سردار معظم - چشم آقا اجازه بفرمائید همچون راجع به عوارض که برخلاف قانون گرفته میشود يك سلسله اظهارات شد و بقیه بنده نمیشود این مطالب را ختم گذاشت و نظر باینکه نیم ساعت از ظهر گذشته است)
 سلطان العلماء - فقط بیست دقیقه گذشته است
 سردار معظم - باید ادامه به مذاکرات داد و تکلیف این مطلب را باید معین کرد و توافقی که تکلیف این مطلب معین نشده بنده عقیده بختم جلسه ندارم
 منتهی اگر آقایان عقیده دارند که جلسه الان ختم شود بنده پیشنهاد میکنم بهمان ترتیبی که برای اعتبارنامه آقای شیخ الرئیس پیشنهاد شده برای این مطلب هم رفتار شود یعنی چهار ساعت تنفس بدهند و بعد جلسه بشود الا معنی ندارد
 ما دو ساعت بظهر مانده جلسه می- کنیم و عوض عصرها که دامنه اش هم زیادتر است صبحها جلسه نمیکنیم چهار ساعت به ظهر را دو ساعت بظهر تشکیل میدهم یکساعت یکساعت و نیم کار میکنیم بعد از آن نفس میشود بالاخره نزدیک ظهر وارد مجلس میشود توپ ظهر در میبرد باید مجلس را ختم کنیم
 در این مجلس باید برای يك همچو مسائل مهم که مطرح است تا يك ساعت بعد از ظهر نشست و مسئله را ختم کرد نمی خواهد چهار ساعت تنفس بدهید و عصر جلسه را تشکیل بکنید و مذاکره را

آقایان ادامه بدهند
 نایب رئیس - آقای تدین موافقت با پیشنهاد؟
 تدین - بنده مخالفم
 نایب رئیس - آقای دستبند چه طور؟
 دستبند - بنده موافقم - ظاهر مطلب همانطور که آقای سردار معظم فرمودند بنظر خیلی ساده میآید ولیکن اینطور نیست باین سادگی که آقای سردار معظم فرمودند و باین بی اهمیتی نیست (سردار معظم - بنده نکستم بی اهمیت است) بایستی يك قدری مطالعه کرد در اطرافش و نقطه این جلسه بقتله به جلسه بعد گمان نکنم هیچ انقلابی در عوالم امکانپذیر پیدا شود که مطلب بیفتد به جلسه بعد و یک قدری اصلاح نظر و مطالعه و تبدیل آراء بشود و بعد تصمیمی گرفته شود اما اینکه فرمودند من بادم می آید در همان جلسه که فرمودند قضیه اعتبارنامه شاهزاده شیخ الرئیس مطرح بود همین مذاکرات پیش آمد آخر رسیده کار مجلس چهار ساعت - چرا؟ بواسطه خاطر اینکه دو ساعت از ظهر میگذرد همه آقایان موافق می شوند یا صرفاً بختم جلسه می بینند ختم جلسه در وقت پیشنهاد تنفس میدهند تنفس هم چهار ساعت که هیچ سابقه ندارد میشود - وقتی که برگشته بود جلسه شدت یافته این جزء همان جلسه است یا جلسه علیحده آتوق اداره مباشرت ناچار میشود که برای خاطر جرائم از هیئت رئیسه سؤال کند که این نیمه جلسه صحیح است یا اینکه جلسه علیحده است - این مشکلات را خود مجلس برای خودش تهیه میکند در صورتیکه مامی بنیم هشت نه ساعت علاوه می شود و این هشت نه ساعت یادآورده ساعت آنقدر اهمیت ندارد که جلسه بماند برای شب یا یکشنبه فاصله جمعه است و شب آقایان هم در اطراف این قضیه برای مشکلاتی که ممکن است در این مسئله پیدا چهار شود يك مطالعه میکنند - هر قضیه در عالم با مطالعه بهتر است که رای بدهند تا بدون مطالعه این است بنده پیشنهاد میکنم جلسه ختم شود و صبح یکشنبه تشکیل شود
 (جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)
 نایب رئیس - آقای تدین - (اجازه)
 تدین - يك دلیلی آقایان اقامه میکنند و آن عبارت از این است که در اطراف این موضوع فکر بشود تا يك رای جامع الاطراف داده شود - بنده این دلیل را قبول ندارم برای اینکه دوازده روز قبل این پیشنهاد شد ارجاع بشود هر چه در هر یکی از شعب مدنی در آن باب بحث شد و تمام آقایانی که در شعب بودند از زمین مستعزانه مگر آنکه بعضی آقایان نبودند بنا بر این مانیاید قائل شویم که چند جلسه دیگر تحقیقتند برای اینکه میخواهیم فکر کنیم - اینطور نیست این موضوع فکر ندارد محتاج برای

هم نیست - این مسئله مثل این میباشد که ما بیاییم رای بدهیم که آیا الان روز است یا شب است آنوقت يك کسی بیاید مخالف بشود که خیر الان روز نیست و شب تبدیل اینکه اینجاست تا يك ترازی بیرون است و باید برویم بیرون بینیم آفتاب بلند شده است یا نه است اینرا شك جلوش را نیست مسئله مسلم است که خلاف قانون را نباید هیچکس مرتکب بشود قانون مالیات نواقل که از مجلس گذشته است کاملاً بر اثر خود باقی است و باید بوقت اجرا گذاشته شود و آنچه اضافه فر قانون نواقل از مردم بگیرند نباید بگیرند آنوقت يك حرفهایی بزنند که این مالیات چه چیز است دارالجماعتین بهم خواهد خورد - این حرفها یعنی چه؟ بنده عرض میکنم این تحولات فوق العاده خودش دارالجماعتین ایجاد میکند (بعضی از نمایندگان - صحیح است) این تحولات فوق العاده و این فشار ها خودش که گذشت میکند برای ملک (صحیح است)
 آقایان باید بدانند که منشاء هر انقلاب بزرگی سکه در دنیا شده است تحولات عظیم بوده است بنا بر این بنده نمی دانم که آقایان میخواهند چه فکر بکنند هر پیشنهادی که در این موضوع بکنیم مستلزم اینست که ضمناً در طی يك مجاری قانونی تصدیق بکنید يك خلاف قانون را این رای نمی خواهد تذکر بکنید باید بدولت نوشته شود
 مالیات قانون بلدی که از مجلس گذشته است در آنجهائی که مشمول این قانون است باید اجرا شود اضافات و زاید را هم از مردم نگیرند
 میگویند لازم نیست؟ انجمن بلدی درست بکنید
 دولت حق ندارد در امور شهرداری بکنند مردم خودشان باید امور بلدی را اداره بکنند مثل يك خانواد که امور خانواد می خودش را باید اداره کند اشخاص خارجی نباید مداخله بکنند
 انجمن بلدی درست بشود و از مجاری قانونی خودش کار بگذرد مامم باید تصدیق کنیم و این دیگر بحث ندارد بنده اصراری ندارم وظیفه ام این بود تذکر بدهم با آقایان و در عین اینکه این قضیه را آقایان هم تصدیق می کنند ختم جلسه باز بسته است برای اکثریت رای دادن بسته است با اکثریت اماره حق ندارد
 این هیچ فرق ندارد با اینکه بکنیم برونه سرواها و کردها بنشینند و از مردم پول بگیرند
 آنوقت دارالجماعتین از میان خواهد رفت - نه دارالجماعتین از میان نخواهد رفت همان مالیات قانونی که از مردم گرفته می شود کافی است اگر هم کسنت انجمن بلدی باید پیشنهاد کند بنده و آقایان من رای

خواهیم داد
 بنده دیگر مرضی نخواهم کرد ما از این رها خیلی داشته ایم هر قضیه را سکه خواستیم بزودی نتیجه گرفته نشود آنرا میانداریم بکسیون چاره بوز
 (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)
 نایب رئیس - رای میگیریم در پیشنهاد ختم جلسه - آقایانیکه موافق هستند قیام فرمایند
 (جمعی قیام نمودند)
 نایب رئیس - تصویب شد يك پیشنهادی آقای سردار معظم کرده اند
 نمایندگان بطور همه آقا موضوع ندارد گذشت
 نایب رئیس - پیشنهاد راجع به تعیین جلسه بعد است
 (شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که جلسه عصری منعقد شود
 (همه باین نمایندگان)
 سردار معظم - آقایان بگریه
 سردار قاهر - بنده مخالفم
 نایب رئیس - بفرمائید
 سردار قاهر - این موضوع لایحه ولو اینکه دوروز هم بماند اقتدر مهم نیست که ما بخواهیم يك جلسه فوق العاده منعقد کنیم برای اینکه يك مسائل مهم دیگری هست و يك کمیسیونهایی هست که واجب است مثل کمیسیون بودجه که عصر خواهد بود يك مسائل مهمی است که در آنجا باید ختم شود من گمان میکنم که صبح یکشنبه آقایان بیایند و این موضوع را حل کنند بملوره اختلاف نظری بین آقایان تولید شده است که این جلسه ختم نشود بهت است تا اینکه جلسه عصر بشود
 نایب رئیس - برای تذکر عرض می کنم سکه روز يك شنبه مصادف به وقت است
 بهمنی از نمایندگان (با همه) - آقا مولود است
 نایب رئیس - آقای سردار معظم (اجازه)
 سردار معظم - بنده اگر چه میدانم پیشنهاد بنده چون تقاضای جلسه فوق العاده و يك کار فوق العاده است رد خواهد شد قلیلاً هم میدانم مفذك وظیفه خود را این میدانم که بگویم
 آقای سردار قاهر میگویند مطلب ضرورت و اهمیت ندارد و کمیسیون بودجه اهمیت بیشتر است بنده نهایت تأسف را دارم که با ایشان موافق نیستم و به همین ملاحظه است که من اهمیت وفوریت این مطلب را بر زمین کردن می و شش تومان حقوق از برای قتل ثبات وزارت داخله یا خارجه مقدم میدانم و میگویم جلسه کمیسیون بودجه باید موافق شود و اینروز بنده پیشنهاد

علی الخصوص که یکشنبه هم تعطیل داریم و جلسه میانند برای روز سه شنبه ولی بنده با اینکه میدانم پیشنهاد من ممکن است رد شود چون باین مذاکرات امروز مجلس معتقد نیستم و برای ملک از نقطه نظر مالی مضر میدانم اینست که پیشنهاد کردم همین امروز تکلیف این مسئله معین شود
 نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای سردار معظم آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
 (عده قلیلی قیام نمودند)
 نایب رئیس - رد شد - پیشنهاد دیگری رسید است قرائت میشود
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم صبح شنبه جلسه تشکیل شود
 سردار قاهر
 سردار قاهر - چون مذاکره شد که روز یکشنبه مصادف با وقت است
 نمایندگان بطور همه - آقا عید است
 سردار قاهر - آنجا آقای نایب رئیس اینطور فرمودند
 دستبند - شما خودتان بهتر باید بدانید
 سردار قاهر - چون در این قسم امور آقای دست فب بیشتر تخصص دارند
 دستبند - این وظیفه هر شنبه است
 سردار قاهر - خیلی خوب
 چون مصادف با عید است و مجلس تعطیل است بنده پیشنهاد میکنم که حالا که جلسه ختم میشود این مسئله اینقدر عقب نماند بنا بر این ممکن است صبح شنبه جلسه شود و آقایان هم گمان میکنم موافق باشند
 نایب رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای سردار قاهر آقایانیکه تصویب می فرمایند قیام نمایند
 (عده قلیلی برخاستند)
 نایب رئیس - تصویب شد جلسه آینه روز سه شنبه خواهد بود چهار ساعت بظهر دستور اولاً تکلیف بعد مذاکره در این پیشنهاد و سایر مطالبی که شعب رجوع شده است
 (جلسه سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک
 جلسه ۲۸
 صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و هشتم برج جوزا ۱۳۰۳ مطابق ۱۳ ذیحجه ۱۳۴۲
 مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
 صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۳ جوزا را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی هست یا نه؟ آقای حائری زاده
 (اجازه)
 حائری زاده - راجع بلایچه تذکره اتباع ایران در خارجه در جلسه قبل بنده عرض کرده بودم که باید یک کمیسیون بودجه هم بر حسب نظامنامه داخلی مراجعه شده بعد مطرح شود و این مسئله را در صورت جلسه یادداشت نکردند
 رئیس - نوشته می شود - دیگر ایرادی نیست؟
 (اظهاری نشد)
 رئیس - از آثار حزن و غلام اندوهی که در ناسیه آقایان مشاهده میکنم میبینم تمام آقایان از واقعه تا گوار دیروز و از فوت آصف الممالک مطلع هستند مرحوم آصف الممالک يك آدم با قدر و قیمتی بود سکه ما نسبت بایشان امید واری ها داشتیم
 در دوره سوم و چهارم در کمیسیونها مجلس از وجود ایشان استفاده کردیم و امیدوار بودیم در این دوره هم از تجارت و معلومات ایشان استفاده ها بکنیم ولی متأسفانه دست مرگ و اجل مجال وفرستی نداد و ما را از مصاحبت همچو شخص عزیز - الوجود و عطف النفسی مرحوم داشت آصف الممالک رفت ولی سببای محبت آمیز آن مرحوم همیشه در نظر ما مجسم خواهد بود و ما را بطلب مغفرت همیشه تذکر خواهد داد ...
 (نمایندگان صحیح است)
 امید وار هستیم حضرت ایزد تعالی مسئول ما را اجابت فرموده و بشمول مرحمت عنایت خود ایشانرا غریق رحمت فرماید
 (جمعی از نمایندگان - انشاء الله)
 من باب سوگواری هم بنده پیشنهاد میکنم که این جلسه ختم و جلسه آینه بروز پنج شنبه معقول شود
 (نمایندگان صحیح است)
 دستور هم همان دستور امروز خواهد بود
 (مجلس سه ساعت و ربع کم قبل از ظهر ختم شد)
 مشهاب معظم السلطان
 مؤتمن الملک
 جلسه ۲۹
 صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه سیام جوزا سیفان ثیل ۱۳۰۳ مطابق یازدهم شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۴۲
 مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
 صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۳ جوزا را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس - از آقایان کسی مخالف نیست؟
 شریعتمدار دامغانی - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمائید
 شریعتمدار بنده گمان نمیکنم موقع شرفیاب شده بودم ولی بنده را جزو دیر آمدگان نوشته اند
 رئیس - چهار ساعت قبل از ظهر تشریف آورده اید؟
 شریعتمدار - بلی
 رئیس - اگر اشکالی هست باید با اداره مباشرت مذاکره شده بعد اصلاح شود
 آقای آقا میرزا جوادخان
 میرزا جواد خان - بنده بعد از تصویب صورت جلسه عرضی دارم
 رئیس - نسبت بصورت مجلس دیگر ایرادی نیست؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس - آقای عدل الملک (احضار برای ادای مراسم تحلیف)
 (یک نفر از نمایندگان - بنشینند)
 آقای نجات نیز احضار ولی غائب بودند
 (آقایان حاج میرزا یحیی دولت آبادی و احبابه السلطنه احضار و ترتیب سابق قسم نامه را قرائت و امضاء نمودند)
 رئیس - آقای حاج سید المحققین (احضار)
 حاج سید المحققین بنده یکمرتبه قسم خورده ام
 (رئیس آقای عدل الملک حاضر شده و قسم نامه را قرائت و امضاء نمودند)
 رئیس آقای الوئی (دعوت بقرائت قسم نامه)
 آقا شیخ محمد علی الوئی - آن روزی که آقای مستوفی الممالک صحبت کردند بین خود و خدا متعهدم که خیانت نکنم - بنده هم از روزیکه وکالت را قبول کردم متعهد شدم میانه خود و خدا - که خیانت بملکت اسلامی نکنم و امید وارم تا بگور هم بملکت اسلامی خیانت نکنم و همینطور شاهنشاهی که دارای این صفات باشد راستگو و هزار دفته راستگو هستم
 (بعد قسم نامه را قرائت و امضاء نمودند)
 رئیس آقای ضیاء الواعظین (دعوت اجرائی مراسم تحلیف)
 (آقای ضیاء الواعظین در محل نطق حاضر و با حلقه جمله راجع با علی حضرت شاهنشاه و اساس قسم نامه را قرائت نمودند)
 رئیس آقا اینطور نمی شود شما يك جمله را حذف کردید
 ضیاء الواعظین - بنده اینطور قسم میخورم

(جمعی از نمایندگان - این طور نمی شود)
 ضیاءالواعظین - بنده راجع باین دو قسمت که باسم اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مغفم و اساس سلطنت است تا عمل دارم و برای احترام کلام الله مجید که کتاب مقدس آسمانی ما هست من ترمز نکردم و آدمم در برابر قرآن مجید ایستادم و بآن قسمت هائی که معتقد بودم قسم یاد کردم. من خدا را همیشه حاضر و ناظر میدانم و احترام کلام الله مجید را واجب میدانم در برابر قرآن مجید همین قرآنی که اسباب افتخار ما مسلمین است همین قرآنی که حیثیات مملکت اسلامی و ملت اسلامی در زیر سایه آنست من در برابر قرآن خجالت میکشم از خدا خجالت می کشم از صاحب قرآن که این قرآن را بدست ما امانت سپرده است
 (وما باید آنرا تسلیم امام زمان حجت ابن الحسن علیه السلام بنمایم) خجالت می کشم .
 رئیس - شما میخواهید ترتیب جدیدی برای قسم در مجلس بگذارید تا حالا همچون چیزی بوده است اغلب آقایان آمدند قسم خوردند چند نفر هم حرفی داشتند گفتند حالا جناب عالی از آن حدود تجاوز کرده و می خواهید در موقع قسم هم نطق کنید نمی دانم مجلس این را می پسندد یا خیر ؟
 (نمایندگان خیر)
 (یک نفر از نمایندگان اول کسیکه مخالفت با قانون اساسی کرد آقا بودند...)
 رئیس - در واقع آقای ضیاءالواعظین قسم نخوردند.
 (جمعی از نمایندگان - صحیح است)
 مدرس - خوب قبول و کالت نکنند...
 ضیاءالواعظین - این قسم رکن نیست...
 (همه بین نمایندگان)
 مدرس - شما تکذیب ما را می کنید...
 رئیس - یعنی بترتیبی که در قانون اساسی نوشته شده است ایشان قسم نخوردند.
 (جمعی از نمایندگان - صحیح است)
 ضیاءالواعظین - بنده در همین زمینه عرضی دارم اجازه میفرمائید؟ در زمینه عریض سابقه نیست.
 رئیس - بفرمائید.
 ضیاءالواعظین - میخواستم عرض کنم قسم اینطوریکه در قانون اساسی ذکر شده رکن نیست...
 (همه بین نمایندگان)

مدرس - رکن است...
 رئیس - (خطاب به ضیاءالواعظین) این را ممکن است بعد از آنکه قسم خوردید بفرمائید وظیفه تعالیف را تمام ننمایید بعد...
 (آقای ضیاءالواعظین از محل نطق به جل خود معاودت نمودند)
 رئیس - آقای میرزا آقا خان (احضار)
 (آقای میرزا آقاخان نیز قسم نامه را قرائت و امضاء نمودند)
 (آقای آقا سید یعقوب هم احضار شده و پس از چند کلمه مذاکره با آقای رئیس بدون اجرای مراسم تعالیف محل خود معاودت نمودند)
 رئیس آقای ناصر الاسلام
 (آقای ناصر الاسلام نیز بترتیب سابق قسمنامه را قرائت و امضاء و جمله تکرار را از ادای مراسم تعالیف بیان نمودند)
 (معلم است در صورت تطبیق با مصداق قانون)
 رئیس - آقای سلیمان میرزا (احضار)
 (آقای سلیمان میرزا قسم نامه را قرائت و امضاء نمودند)
 رئیس - لایحه از طرف آقای آقا سید ابوالحسن و آقای آقا میرزا محمد حسین ثانی و آقای آقا شیخ عبدالکریم راجع بمعرفی بیست نفر از آقایان طراز اول مجلس رسیده است بنده گفتم سابق این کار در اداره تقنینیه معین بکنند در جلسه دیگر بمرض آقایان میرسد و هر طوری که مقتضی بود از آن رو عمل میشود این لایحه در جلسه بعد قرائت خواهد شد ، پیشنهاد آقای تدین که در جلسه گذشته مذاکره شده و هنوز رأی داده نشده است جز دستور است آقایانی که در جلسه گذشته اجازه خواسته بودند اجازه شان محفوظ است.
 آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)
 سردار معظم - بنده قبل از دستور در باب قسم عرضی دارم...
 رئیس - بستم اجازه مجلس است...
 حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض بکنم یا آقای سردار معظم ؟
 رئیس - قدری تأمل بفرمائید.
 (بعضی از نمایندگان مخالفی ندارد صحبت بفرمایند)
 رئیس تغییر دستور است باید رأی بگیریم.
 (یک نفر از نمایندگان چون مراسم تعالیف جزو دستور بود ایشان میتوانند حرف بزنند)
 رئیس (خطاب بسردار معظم) مقصودتان اینست که دستور تغییر بکنند؟
 سردار معظم خیر بنده مقصودم این نیست که دستور تغییر بکنم ، این جاراجع بستم بکنم اگر آتی شده ممکن است حالا یا بعد از نفس یا قبل از ختم جلسه (برای بنده

فرقی نمیکند) عریضی بکنم چون بنده یکی از اشخاصی هستم که قسم خوردم و حاضر نیستم یاره نسبت های مستقیم را که داده میشود تحمل نمایم . و حق هم دارم که دفاع کنم بنا بر این اجازه می خواهم که عرض کنم
 رئیس - آقای سردار معظم اجازه می خواهند قبل از اینکه داخل در دستور بشوم راجع بتخلیف اظهاراتی مینمایند آقایان موافقت یا مخالف ؟ (اظهاری نشد)
 رئیس - رأی میگیریم آقایانی که موافقت قیام نمایند.
 (جمعی قیام نمودند)
 رئیس تصویب شد آقای حاج میرزا عبدالوهاب بایشتهاد مخالفند ؟
 حاج میرزا عبدالوهاب - خبر موافقت رئیس بفرمائید.
 حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بایشتهادی که از طرف آقای تدین و جمعی از نمایندگان محترم داده شده موافق هستم و عقیده دارم که باید این مالیاتهای غیر قانونی تماماً برداشته شود حقیقت این مالیاتها چیزی است که واقعا گفتنش هم شرم آور است غیر از مالیات های دم دروازه ها پول های خیلی زیادی باسای مختلف از مردم میگیرند
 مثلا قوج بولی بنده تا دیروز نشینده بودم پول شکار بانی است و باید هر دهی هفتاد هشتاد تومان قوج بولی بدهم یا سوپولی یا علف جرائی اتومبیل اینها کلبه باید از طرف دولت ملغی شود و اگر بودجه تکافو نمیکند لوائیجی از طرف دولت بمجلس پیشنهاد بشود و یک مالیات متعادل شکلی از مردم گرفته شود برای مخارج ادارات و دواجر دولتی ولی اینهایی که میگیرند تمام برخلاف قانون است از خود بنده هم گرفته اند فرض بفرمائید شخصی میروید از ده فرسخی چند تا مرغ می آورد که بفروشد و امرار معاش بکند دم دروازه باید بچقران باج این چند تا مرغ را بدهد نمایانم این مطابق کدام قانون است ؟
 (یک نفر از نمایندگان ماه براه می گیرند)
 حاج میرزا عبدالوهاب - خیر ماه ماه نیست بنده صاحبش را نشان میدهم هر وقت که از دروازه وارد شهر میشود دوتا مرغ یا یک بار مرغ داشته باشد باید بچقران بدهد بروید دم دروازه تحقیق نمائید مثلا یک بار هیزم باید دم دروازه علاوه بر پول نوافل یک قران دو قران بدهد از این قبیل پول های گزاف و خلاف قانون در راهها دم دروازه ها خیلی میگیرند از آقای وزیر مالیه هم که سؤال میکنم حاضر نشوند جواب بدهند . اتومبیل از اینجا که حرکت میکند یک باج از خودش میگیرند و یک باج از

آدمش تقریباً هفتاد و شش تومان یک اتومبیل از اینجا تا قره تو باید باج بدهد اینها بکجا میروند ؟ آیا داخل در بودجه مملکتی میشود یا اشخاصی میگیرند و میخورند و میگویند ادارات لنگ میماند ؟
 در روز آقای سالار لشکر میفرمودند اسباب تعطیل بعضی از ادارات میشود و واقعا بعضی ادارات قابل تعطیل هم هست مثلا حالا پریروزنگاه کروم دیدم در بنده نوشته اند اداره سجل احوال چیزی که اصلا موضوع ندارد . یک عده را برده اند در آنجا و حقوق میدهند از این جور خرج تراشی ها برای دولت خیلی شده است البته مرض خانه لازم است دارالمنجرب و دارالمساکین لازم است اما اینها مخارج مفت زیادی است و باید دولت اولاً اگر ممکن است یک بنده قانونی بقوریت تشکیل بدهند و از طرف انجمن های بلدی این قبیل لوائیج تهیه و برای تصویب بمجلس بفرستند و اگر هم نمیشود عجلت خود دولت این مالیاتها را بگیرد و بقدر خرجش پیشنها کند نه اینکه یک ادارات مرض و طولی درست کنند البته وقتی بقدر مخارج و احتیاجاتشان پیشنهاد کردند مجلس هم تصویب خواهد کرد و پول غیر قانونی گرفته نمیشود و خرج مفت هم بدون جهت نمی شود.
 رئیس آقای مدرس مخالفند ؟
 مدرس - بنده در این موضوع اجازه نگواسته بودم .
 رئیس - در جلسه گذشته اجازه خواسته اند.
 مدرس - راجع بنوافل بنده عرضی ندارم .
 رئیس - آقای مشار اعظم مخالفند ؟
 مشار اعظم - بلی با پیشنهاد مخالفم.
 رئیس - بفرمائید .
 مشار اعظم - بنده خیلی متأسف هستم که اختلاف نظر در یک امری پیدا کرده ام که جمعی از نمایندگان محترم بآن توجه دارند و جلب توجه و عقیده و آفتابان دانمده است ولی البته در مسائلی که مربوط با امور مملکتی است اگر بنده با اعتدال از مخالفت عرضی بکنم نایستی بنده ایراد بشود و مخصوصاً عرض میکنم وقتی که حقایق خوب روشن بشود دیگر دوتا مرغ یا یک بار مرغ داشته باشد باید بچقران بدهد بروید دم دروازه تحقیق نمائید مثلا یک بار هیزم باید دم دروازه علاوه بر پول نوافل یک قران دو قران بدهد از این قبیل پول های گزاف و خلاف قانون در راهها دم دروازه ها خیلی میگیرند از آقای وزیر مالیه هم که سؤال میکنم حاضر نشوند جواب بدهند . اتومبیل از اینجا که حرکت میکند یک باج از خودش میگیرند و یک باج از

بکنند که امری بر خلاف قانون اتفاق نیفتاد در ضمن این نکته را هم باید عرض بکنم که نمایندگان گدرا اینجا جمع شده اند برای وضع و انشاء قانون آمده اند و آنها قدرت دارند هر قانونی را ایجاد کنند و یا تغییر بدهند و بالاخره هر قانونی را هر طور صلاح بدانند نقض کنند ما در اینجا برای حفظ آثار قدیم که نشسته ایم بر این طبعی است ما اینجا آمده ایم برای اینکه یک قانونی برای مصلحت وقت انشاء بکنیم و بدیم بدولت آنرا اجرا کنند اگر بنا باشد قوانین همانطور که در سابق وضع شده اند دایم باقی باشد حالا در مملکت ما باید چندین سال قبل از نقطه نظر احتیاجات مملکتی قانون نوافلی وضع شد و عایداتی معین شد که آن عایدات را بصرف امور بلدی برسانند شهر طهران و سایر نقاط را کثافت و خرابی بپوشاند درجه رسیده بود (هنوز هم بدبختانه هست) خواستند سر و صورتی بدهند و شهر ما را هم در تعداد سایر شهرهای دنیا محسوب نمایند و خرابه و معکده و ویرانه باشد و اگر نمایندگان این نظر را داشته باشند و اعتراض بکنند که چرا شهر طهران از همه جا خراب تر و معایر و کوچهایش کثیف است گمان میکنم تصدیق بفرمایند که باید یک مالیاتهایی اضافه بر مالیاتهای فعلی از مردم شهر و از آنها که بل دارند نواز نظافت بهره مند شوند اخذ شود و اگر کسی مخالفت نماید با اصول حقیقتاً خیانت کرده است زیرا بنا به مخالفت کرد اما اینکه مالیاتهایی زیاد از ماخذ زود میشود او را تعدیل کرد و قانونی کرد و بدولت داد و میشود به بلدی مجال داد که یک لوائیجی تهیه نموده بمجلس بیاورد و مجلس آنها را تصویب کند و این مالیاتها تقریباً بعضی از آنها قبل از سنه هزار و دویست و نود و نه بوده و منداری از آنها هم از نود و نه بعد اضافه شده است تحقیق هم کرده ام منجمله مسئله خیره است که در سنه مجامع خود تجار موافقت کردند که از هر عدلی یک قران برای نگاهداری فقرا و مساکین اخذ و صرف آسایش آنها بشود در آنوقت گویا آقای متنازل ملک هم ریاست یک کمیسیونی را داشتند و از آنوقت هم مالیات خیره از هر عدلی یک قران می گرفتند بعد این مالیات تکثیر شد و دولت بعد هم

که آمده خواسته است آن اصول را نص نماید با توجه دقیقی که بوضع این مالیاتها کرده است منتقل شده است که این ترتیب شایسته و مناسی بوده است و اگر در بعضی از قسمتها يك اشکالات و غیر نهائی برای مؤدیان مالیاتی پیدا میشده بعضی قسمتهای دیگرش خیلی مناسب بوده است که بگیرند و بمصارف لازمه برسانند (مجلس چهارم هم آنوقت دائر بوده است)
 تصویب نامهائی هم صادر کرده اند و تصدیق کرده اند که این مالیاتها خوب است گرفته شده و بصرف خیره برسد در آن اوان مالیات های بلدی کم بود ولی حالا مطابق تحقیقاتی که شده است تقریباً در سال بالغ بچهار صد و خورده یا باصدهزار تومان نوافل و این مالیاتهای بلدی است که گرفته میشود و باید خوب ملتفت باشیم این مالیاتهایی که در مملکت گرفته میشود و تا بحال بموقع عمل گذاشته شده اینها یک اصولی است که تقریباً عملی شده و میتوان اطمینان داشت که قابلیت اخذ را دارند و البته تصدیق میفرمائید در جمع آوری عوائد مملکت فقط عسرت و اشکال در سر این است که به بینم آیا میشود یک مالیاتی را گرفت یا نه و قابلیت اخذ دارد یا ندارد اگر مالیاتی قابل اخذ بود حتماً باید در گرفتن آن اقدام کرد و نباید اعمال نمود تا یک عایدات کلی در دست ادارات و مؤسسات دولتی باشد و بتوانند مخارجی برای رفع ضرورت و حوائج مملکت بعمل بیاورند این مالیات ها در سنوات اخیر گرفته شده و معلوم شده است که قابلیت اخذ در اندو یک مالیاتهای عملی هستند . بنابر این جهت ندارد که ما مخالفت کنیم یا یک عایداتی که در مملکت موصول میشود و بخواهیم آنها را نقض نمائیم و تکثیر این ترتیب هیچ مناسب نیست و آقایانیکه در این باب مخالفند غالباً توجه بمسائل خارجی دارند مثلا آقای حاج میرزا عبدالوهاب اشاره بدالیات علف جرائی یا چیزهای دیگر فرمودند این مربوط بان قضیه نیست عوارض بلدی و نوافل موضوع دیگری است و این مالیاتهایی که اخذ میشود اگر بمصارف بلدی برسد مخالفت با او ولو کردنش به هیچوجه مناسب نیست و اگر چنانچه باین مصرف نرسد البته حقتش آن است که حتماً بمصارف معینه خودش برسد بنده در این باب هیچ ایرادی ندارم و مالیاتهایی که باین اسم میگیرند یعنی برای مصارف بلدی باید برای همان کار هم مصرف کنند در جلسه قبل هم این مسئله را تذکر دادم مالیاتهایی که گرفته میشود یک قسمتش را (با اینکه آقای عبادالسلطنه فرمودند من در کمیسیون بودجه تحقیقات کردم) خود بنده هم تحقیقات کردم معلوم شد که یک قسمت از این مالیات

ها که جزو عوائد بلدی است در ولایات صرف ایجاد مؤسسات بلدی نمیشود مثلا در قسمت نیرو و بعضی حدود خود مردم راضی نبودند این مؤسسات تشکیل شود و تصور میکردند یک تحصیلات فوق العاده بآنها میشود و گفته اند این عوارض را از ما بگیرند و بما کار نداشته باشند در صورتیکه این عوارض برای مؤسسات بلدی و عام المنفعه اخذ میشو و بملازه ممکن است از آنها این عایدات که جزو بودجه مملکتی است تفسیرات کلی در جمع و خرج مملکت پیدا بشود این دلائل بنده را باین قبیل مسائل متوجه داشت که بنمایند گمان محترم تذکر بدهم که اگر در این باب بخواهیم اقداماتی بکنیم و یک مالیاتهایی که خارج از حدود قانون اخذ میشود لغو کنیم بهتر این است که آنها را با قانون تطبیق کنیم و در حقیقت يك صورت قانونی بآن بدیم و در این باب دولت را میشود متذکر کرد که شما این عوارض را زیاد تر از آنچه معین شده بگیری و دولت را میشود متذکر کرد که شما این عوارض را متذکر نمایند یک مرتبه بخواهید این عوارض را ملغی نمائید اشکالات فوق العاده در بلدی طهران و ولایات تولید شده و در بودجه مملکتی هم تغییرات کلی حاصل میشود به همین جهت بنده نظریه را که در جلسه قبل عرض کردم باز تکرار میکنم که آقایان اگر موافق باشند ممکن است این لایحه را بیکه کمیسیون داخله رجوع نمایند و کمیسیون داخله با جلب نظر کمیسیون بودجه در این خصوص مطالعه نموده و دولت را هم متذکر کنند که بقوریت لوائیج لازمه را بیاورند و از قرار معلوم بطوریکه من شنیده ام اداره بلدی یک لوائیجی هم منظم کرده است و تقدیم مجلس خواهد کرد حالا باید تاکید کرد که آنها را زودتر بیاورند که نمایندگان در کمیسیون بآنها ملاحظه کنند هر کدام که لازم بود در نظر بگیرند هر کدام لازم نبودند کنند و بطور کلی تذکر داده شود بدولت که این مالیاتها را الفاه نمایند و اینکه گفته میشود که بلدی طهران پولها را بصرف نمی رساند همچون نیست .
 الآن قسمتی از شهر روشن است حالا اگر در قسمتهای پایتین شهر مثلا در گرد زبورک خانه نتوانستند تسطیح کنند یا تنظیف کنند یا یک معابر صحیح تدارک کنند یک پولهای فوق العاده میخواهد با چهار صد هزار تومان یا باصده هزار تومان میشود یک جای خرابی را آباد کرد اگر بودجه تحقیقات کردم) خود بنده هم تحقیقات کردم معلوم شد که یک قسمت از این مالیات

نسبت بعقود اعضا نمیشود گفت که در حقوق آنها کسر کنند چون حقوق برای اعاشه آنهاست و در مقابل کار هم میکنند حالا اگر کارشان کم است و اجزاء زیاد است اجزاء را کم کنند ولی نسبت بعقود مستخدمینی که صبح تا غروب مشغول کار هستند نمیشود حرفی زد که حقوق آنها را کسر کنند .
 احتسابی که صبح تا غروب در خیابانها کار میکنند مجبور است باندازه خرج معاش خود حقوق بگیرند آنکسی که پشت میز مینشیند روزی هفت هشت ساعت کار میکند البته باید حقوق بگیرد . بیشتر از این لازم نیست عرض کنم زیرا تطویل کلام میشود بنا بر این باید گفت بکدام کمیسیون مراجعه شود یا کمیسیون داخله یا کمیسیون بودجه تا مطالعات و دقت کافی بر این قضیه را بنحویکه مناسب بدانند .
 موقع عمل بگذرانند و اگر هم لازم است بدولت تذکر بدهند که در آنجا حاضر شده و یک طوری مسائل حل شود .
 رئیس - آقای سر کشیک زاده اسم جناب عالی در جلسه گذشته قلم گرفته شده است .
 سر کشیک زاده . من اجازه خواسته بوده موقع رسید بنده در آنوقت که در اطراف تنفس بدیوار آویخته شده نوشتم که اجازه بنده محفوظ است .
 رئیس - خوب حالا موافق هستید یا مخالف ؟
 سر کشیک زاده - موافقم .
 رئیس بفرمائید .
 سر کشیک زاده - بطوریکه آقایان مشاهده فرموده اند بنده هم یکی از امضاء کنندگان این ورقه هستم در موقعی که بعضی از رفقا تکلیف امضاء این ورقه را ببنده کردند دیدم در آنوقت نوشته شده که چون این مالیاتی که اضافه بر قانون نوافل گرفته میشود بر خلاف قانون است بایستی بدولت تذکر داد که بعد ما خلاف قانون مرتکب نشود و چون حیثیات مجلس و کلاسه را بحفظ قانون و قانونگذاری و بطور کلی تذکر داده شود بدولت که این مالیاتها را الفاه نمایند و اینکه گفته میشود که بلدی طهران پولها را بصرف نمیداند اینجا مطرح شد نظریات دیگری پیدا شد و آن عبارت از مسئله بودجه است البته اشخاصی که اینورقه را امضاء کردند مخالف با بودجه نیستند که بودجه دولت کسر شود و آنها هم که مخالف هستند البته آنها هم معتقد نیستند که برخلاف قانون مایک بدهیم یا یک سباقه که برخلاف قانون مایک تصدیق کنیم بنا بر این شرط بنده چون جنبه قانونگذارم از این مسئله بنده دفاع میکنم نه اینست که مخالفی هم ندارم

داد در دوره چهارم پراجع بالیات انگور از طرف نمایندگان عراق پیشنهادی شده بود و بدولت تذکره داده شد که گرفته نشود پس ملاحظه فرمائید که هر طرز معمول بوده همانطور عمل فرمائید والا بوجوب این پیشنهاداتی که شده است نشود و بنده با تمام این پیشنهادها مخالفم برای اینکه مخالف قانون است،

رئیس - سه قسم مذاکرات اینچاشد بهر کدام رأی میگیریم هر کدام را مجلس تصویب کرد همان قسم اجرا شود اولاً اجرای ماده ۶۳ نائیباً نقطه نظر آقای تدین که هیچ يك از این پیشنهادات نباید قبول شود و بهمان پیشنهاد اولی که مطلب اصل است رأی گرفته شود.

آقای تدین

تدین - بنده همین طور عرض کردم ولی این راهم عرض که کردم آن پیشنهاد که ما کردیم محتاج برای نیست زیرا چطور میشود رأی داد که مراعات قانون را بکنیم.

رئیس - مقصود این بود که پیشنهاد دیگری را نباید قبول بکنیم ترتیب دیگرش این است که پیشنهاد اولی که از طرف آقای تدین شده است مطلب اصلی است این پیشنهادها هم که اخیراً قرائت شد هر کس میخواهد در باره آنها توضیح بدهد و دیگران هم حرف بزنند در باره هر يك بدون اینکه بقابل توجه بودنش رأی بگیریم در اصل پیشنهاد رأی بگیریم اگر قبول نشد آنها والا در پیشنهاد دیگر رأی میگیریم تکلیف پیشنهادها که معلوم شده آنوقت میرویم سر مطلب اصلی اول رأی میگیریم باینکه ماده ۶۳ باید اجرا شود یا نه

اخگر بنده راجع باده نظامنامه عرض دارم .

رئیس - فرمائید .

اخگر - همان طور که آقای تدین تذکره دادند برای این پیشنهادها نمیشود رأی گرفت و نظامنامه در اینجا یک راه حل پیدا کرده است که اگر این مطلب را مطلب تلقی کنیم در ماده ۳۷ و ۳۸ تکلیف را همین می کند ماده ۳۷ در روزیکه برای مباحثات معین شده است مجلس در باب طرح مزبور اساساً و بطور کلی مذاکره کرده و در خصوص قبول توجه یا عدم توجه رأی می دهد ماده ۳۸ در صورت عدم توجه به شبات فرستاده میشود که کمیسیون برای آن تشکیل دهند و نیز ممکن است بکمیسیون که قبل از وقت تشکیل و مربوط باین طرح رد شده محسوب میشود که کمیسیون برای آن تشکیل دهند نیز ممکن است بکمیسیون که قبل از وقت تشکیل و مربوط باین طرح

است رجوع شود هر گاه کمیسیون مبتکرات ملتفت شود که طرح مزبور مربوط بکمیسیون است که قبل از وقت تشکیل شده مینواند از مجلس تقاضا نماید که آن طرح را بهمان کمیسیون رجوع نمایند اگر لایحه تصور کنیم در ماده ۶۰ تکلیفش را همین مینماید (ماده ۶۰ اصلاحاتی که از طرف يك یا چند نفر از نمایندگان پیشنهاد میشود ماده قانون فلان)

در آخرش مینویسد،

اصلاحاتی که از طرف نماینده میشود پیشنهاد میشود مانند طرح قانونی قبل از وقت باید قابل توجه شود.

رئیس - اینها بیکه فرمودید راجع بطرح است.

آقای حاج عز الممالک (اجازه)

حاج عز الممالک - بنده يك اختصار نظامنامه دارم .

رئیس - فرمائید .

حاج عز الممالک - بر طبق اظهارات نمایندگان این موضوع مطلب است و طرح نیست ماده ۹۵ مینویسد در صورتیکه در مطلب معین تقاضاهای مختلف در مجلس شده و منجر باین رأی شود تمهین حق تقدم و تا آخر با مجلس است.

مطابق این ماده راجع يك اختلاف نظر حاصل شده است خود مجلس شورای ملی باید رأی بدهد راجع پیشنهادها هم ماده ۹۶ میگوید اصلاحاتی که در باره مطلبی پیشنهاد می شود قبل از خود مطلب در باره آن اصلاحات رأی گرفته میشود اگر پیشنهاد را اصلاح تلقی نمائیم ماده ۹۶ را باید قائل شد اگر اصلاحات تلقی نشود آنوقت بوجوب ماده ۹۵ با خود مجلس است که باصل مطلب رأی بگیریم باین پیشنهادها بند نمی دانم اگر این مسئله را لایحه تصور نکنیم غیر از مطلب تصور نکنیم غیر از این چه ماده را میتوانیم قائل بشویم خواهش می کنم آقایان برای مطلب ماده دیگری در نظر بگیرند و فرمائید .

رئیس - این ماده راجع بحق تقدم است و حق تقدم يك مطلب دیگری است تا حالا هم هیچ موضوع بحث نبوده است انشاء الله بعد از این پیش خواهد آمد و مطلب روشن می شود باफल

رأی با اجرای ماده ۶۳ میگیریم یعنی این مسئله يك شور دارد - پیشنهاداتی که می شود از طرف پیشنهاد کنندگان صحبت شود بعد قابل توجه شو . باین طریق رأی می گیریم آقایان بیکه تصویب فرمائید .

(چند نفری برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . حالا رأی می گیریم پیشنهاد آقای تدین که ایشان میفرمایند اصلاً هیچ کدام از پیشنهادها قبول نشود

مردار معظم - پیشنهادها در عرض هم هستند .

رئیس آقای تدین پیشنهاد کرده اند که همان مطلب اصلی که پیشنهاد ایشان باشد مطرح شود سایر پیشنهادها قبول نشود آقایان بیکه این ترتیب را تصویب می کنند و می بسندند قیام فرمائید .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد . رأی می گیریم باینکه تمام پیشنهادها قبول شود و هر يك از پیش نهاد کنندگان به تفصیل توضیح بدهند و دیگران هم حق جواب داشته باشند و بعد از این که پیشنهاد قرائت شد و توضیح داده شد آنوقت رأی قطعی درباره پیشنهاد بگیریم باین ترتیب آقایانی تصویب میکنند قیام فرمائید .

(ممدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - از طرف آقای عدل الملک پیشنهاد شده است تنفس داده شود .

(جمعی از نمایندگان - صریح است) در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسیاعت مجدداً تشکیل گردید

(پیشنهاد آقای حائری زاده بشرح ذیل قرائت شد) چون مذاکرات در خصوص تذکره دادن بدولت راجع بموقوف نمودن عوارض غیر قانونی زیاد شده بنده پیشنهاد میکنم در کلیه پیشنهادها بدون مذاکره اخذ رأی شود و اوقات مجلس پس از ختم این موضوع صرف سایر مطالب شود (حائری زاده)

رئیس - توضیح بدهید .

حائری زاده - توضیح مفصلي لازم ندارد زیرا چند روز است در اطراف این مطلب مذاکره و صحبت شده و هر يك از آقایان در این موضوع پیشنهاد هائی کرده و توضیحات داده اند بنابراین دیگر لازم بنده آنرا نیست لهذا بنده مستقدم که یکی یکی پیشنهاد قرائت و اخذ رأی شود .

رئیس - این جا رأی داده شد که پیشنهاد بر پیشنهاد قبول نشود و اینکه میفرمائید پیشنهاد بر پیشنهاد در واقع مفاد این هم رد شده است.

وزیر مالیه - بودجه تفصیلی وزارت فوائد عامه است و تقدیم مجلس می شود در موضوع مذاکراتی که در مجلس شورای ملی در خصوص نواقل و مالیاتهای بلدی شده است این مسئله از چندی باین طرف طرف توجه دولت بوده است و لایحه در این باب تهیه شده است و بااصله دو هفته تقدیم مجلس شورای ملی میشود لهذا بنده پیشنهاد میکنم از دستور امروز خارج شود و تا هفته دیگر لایحه که دولت تهیه کرده در مجلس شورای ملی تقدیم شود.

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب

مخالف هستند . حاج میرزا عبدالوهاب - پلی بنده عرض میکنم این یک سابقه مشهود برای این که برخلاف قانونی که در مملکت میشود دولت میباید میگوید چند روز مهلت بدهید و این صریح نیست علاوه فرمودند مالیاتهای نواقل این لایحه راجع بنواقل تنها نیست راجع بکلیه مالیات غیر قانونی است . بعضی از نمایندگان - راجع بنواقل است .

حاج میرزا عبدالوهاب - بسیار خوب همینقدر عرض میکنم باید ترتیبی کرد که این سابقه در مجلس گذاشته نشود .

رئیس - آقای تدین موافقت نمودند .

تدین - خیر .

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - مخالفم .

رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه)

مشار اعظم - موافقت بنده گمان میکنم این بهترین راهی بوده است که در مجلس برای این مسئله اظهار کردند و در اصل قضیه و راه حل آن که بحث کردیم در این باب آقایان نظریه خودشان را در حدود قانون به کرات اظهار کرده بودند کسی تردید نکرد این مسئله را که يك امری برخلاف قانون نباید اتفاق بیفتد کسی انکار این را میکند ولی چیزی که هست این است که این اصل تا کی ندارد و حالا چندین سال است که در مملکت معمول و متداول است و همانطور که عرض شد با حضور مجلس شورای ملی بوده است و مجلس شورای ملی عصر هم ایرادی بدولت نکرده است

(بعضی از نمایندگان - بطور همهمه خیر - خیر.)

مشار اعظم - حالا اگر میبایست يك ایراد و اعتراضی بشود نباید طوری باشد که تمام امور بلدی و جمع و خرج مملکتی لازم بنده آنرا نیست لهذا بنده مستقدم که یکی یکی پیشنهاد قرائت و اخذ رأی شود .

رئیس - این جا رأی داده شد که پیشنهاد بر پیشنهاد قبول نشود و اینکه میفرمائید پیشنهاد بر پیشنهاد در واقع مفاد این هم رد شده است.

حد و حساب ندارد مالیاتهای بلدی و نواقل از نقطه نظر ضرورت گرفته شده و حالا بمصارف خیلی لازمی میرسد حالانکه بالمره آنها را مختل کرد باید هر کدانش را مناسبت دارد در مجلس شورای ملی تصدیق و هر کدام را مناسبت ندارد تردید کنیم دولت هم با این نظر البته موافقت دارد که آن قسمت هائی که بر خلاف قانون بوده است شورب است اصلاح کنند و را اصلاحش هم همان است که لایحه لازم را بیاورند بمجلس شورای ملی الان چندین سال است که این خلاف قانون مجری شده ممکن است دو هفته دیگر هم مجال بدهند که در ظرف این دو سه هفته این کار ترتیبی پیدا کنند و این دو سه هفته هم مردم مملکت و رشکست ندیشوند سالها است میریزانند . يك مهلتی باید بدولت داد که لایحه قانونی را بیاورد و بعد از اینکه بدولت مهلت دادند که لایحه قانونی را بیاورد آنقدر مشکل نخواهد بود .

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده خیلی تعجب میکنم از آقای مشار اعظم که میفرمایند چون این مالیاتی است که معمول بوده است سالهای سال در عین اینکه برخلاف قانون است باید تأمل کرد و آن را لغو نکرد اما اگر ما باین اصل قائل شویم ممکن است خیلی چیزها در مملکت معمول شود و آنوقت دلیل بیاوریم چون معمول شده است بنابراین این باید بر همان حال اول خودش باشد تا تکلیفش معلوم شود و الا این مالیاتها همانطوری که آقایان میدانند قبل از مجلس چهارم و در دوره فترت وضع شده است و مربوط به کابینه هائی که در مجلس چهارم و پنجم بوده اند نیست بنده نظرم این است که حتی الامکان بایست اهمیت به یگانه مرکز صلاحیت دار برای اینگونه امور که مجلس شورای ملی است داده شود صرف اینکه معمول بوده است دلیل نمیشود بقول دیگر از ادناء وقتی که يك مهلتی را هزار جور توجه کنیم هزار و يك مهلت میشود غلط را هر قدر بخواهیم توجیه کنیم صحیح نمیشود باز غلط است بنابراین بنده عقیده ندارم که این مسئله را ما امروز مسکوت عنه بگذاریم یا اینکه از دستور خارج کنیم علاوه آقای وزیر مالیه هم مطابق نظام نامه داخلی حق ندارند این تقاضا را بکنند برای اینکه این لایحه از طرف دولت نیامده و فقط در نظامنامه داخلی بدولت حق داده شد است که لایحه که از طرف دولت نیاید در هر موقتی از مباحثات میتواند مسترد کند این مطلبی است که از طرف مجلس شورای ملی انشای شده است طی ای حال بنده تصور میکنم پیش از این محتاج هیچ نیاید و

بیشتر نظر اساسی بنده اینست که باید این اصل را محترم شمرد که دولت هائی که در این مملکت روی کار میآیند و حکومت هائی که تشکیل میشوند بدانند که در غیاب مجلس شورای ملی و بدون تصویب مجلس شورای ملی حق وضع مالیات ندارند نباید هیچ اسم هیچ رسم از مردم بعنوان مالیات یا عوارض یا چیز های دیگر بدون تصویب مجلس شورای ملی بگیرند اگر امروز ما قائل شویم که چون این مالیات از سابق بوده است باید استعمال کرد مستلزم يك اصل خواهد بود که در آینه بدون تصویب مجلس شورای ملی و در غیاب مجلس شورای ملی (که ممکنست فقرتهائی اتفاق افتد) يك عوارض یا تحلیاتی بپردازیم بکنند و مجلس بیاید يك یادداشت را همه و کلاه متذکر شوند که این مالیات برخلاف قانون بوده است يك نفر دیگر هم پیدا شود (البته عقیده آزاد است) و بگویند که چون این ترتیب معمول بوده است حالا هم باشد بنده نیدانم وضعیت این مملکت چه صورتی پیدا خواهد کرد .

اولاً مرکز که صلاحیت برای این کار دارد مجلس شورای ملی است طبعاً حقوقش متزلزل خواهد شد نائیباً دولت ها هر قدر بخواهند تمهیل بر مردم خواهند کرد بعد از این یک وقت معمول شده و بدلیل اینکه دارالمجانین ساختیم و بدلیل اینکه يك قسمتی از کوچه های شهر را (آنهم يك قسمتش را نه تمامش را) آباد کردیم بنابراین باید باشد . بنده نظرم اینست و بر حسب پیشنهاد وزیر مالیه هم مجلس نمیتواند رأی بدهد .

رئیس - خوب رأی میگیریم آقایان بیکه خروج این موضوع را از دستور تصویب میکنند قیام فرمائید

عده کمی قیام نمودند

رئیس - رد شد . پیشنهاد آقای مفتی قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی چون این مطلب پیشنهادی آقای تدین با تصدیق آقایان نمایندگان محترم مشمول ماده دوازدهم از نظامنامه است و به همین ملاحظه بود که سابقاً بشببات رجوع شد و پس از مطالعات و مذاقه بمجلس برگشته است و در خود همین ماده تصریح شده است باینکه اگر تشکیل کمیسیون لازم آید باید کمیسویی مطابق عده که مجلس معین کرده است انتخاب شود و حالا از مذاکرات اکثر آقایان نمایندگان معلوم میشود که تشکیل کمیسیون لازم آمده است لذا بنده پیشنهاد میکنم که مطابق همین ماده دوازدهم این پیشنهاد بکمیسیون خاصی ارجاع شود که راه عملی کردن آنرا بیابند .

صدرالعلماء

رئیس (خطاب بمجلس شورای ملی) - پیشنهاد

بفرمائید . صدرالعلماء توضیح واضحی و احتیاجت و در ماده دوازدهم از آن معین شده است رجوع شد بشببات و در آنجا يك مذاقه و مطالعه شد و از آنجا برگشت بمجلس حالا اگر آقایان مذاکرات کافی میدانند به پیشنهاد آقای تدین رأی بدهند و اگر کافی میدانند و انتخاب کمیسیون لازمست باید رجوع شود بکمیسیون خاص .

رئیس - آقای حائری زاده باین پیشنهاد موافقت نمودند .

حائری زاده - پلی .

چون در ماده دوازدهم که آقای صدر العلماء اشاره فرمودند مینویسد:

اگر تشکیل کمیسیون لازم آید برضاً يك طرح قانونی باشد که باید آنرا اصلاحاتی بکنند و مجلس تصدیق کرد که يك کمیسیون انتخاب شود آنرا اصلاح بکنند آنوقت لازم است ولی این مسئله محتاج برای هم نیست يك تذکره بدولت که يك خلاف قانون طولانی را جلو گیری می کند

و اگر بعد از لازم میدانند که عوارض را بگیرند پیشنهاد کنند مجلس تصویب بکند اینجا دیگر رأی دادن هم لازم نیست

مراجعه بکمیسیون هم لازم نیست

رئیس آخر ترتیب رأی دادن را باید مذاکره فرمائید دستورش را بیند

فرمائید تا از آنرا عمل شود .

سه چهار جور در اینجا رأی گرفته شد همه اش رد شد .

از روی کدام ماده نظامنامه باید این مسئله رأی گرفته شود آنرا معین فرمائید .

بیشتر آقای تدین رأی گرفتیم رد کردید

بعضی از نمایندگان - اصل پیشنهاد

رد شد .

رئیس بنده عرض کردم چنانکه خودشان هم پیشنهاد کردند در باب سایر پیشنهاد هائی که گرفته نشود فقط پیشنهاد ایشان رأی گرفته شود این را رد کردید حالا اگر بخواهید به پیشنهاد ایشان رأی بگیرید

مخالف آن رأی است که داده اید .

آقای رهنما

(اجازه)

رهنما در اطراف این موضوع بعقیده بنده هر چه مذاکره شود کار مشکل تر میشود . يك تذکره از طرف نمایندگان داده شده است و بمجلس شورای ملی تقدیم شده است حالا صحبت هائی میشود که اگر این تذکره داده شود تمام تاسیسات بلدی يك مرتبه مثل قانونی خورد میشود اینطور نیست .

ملی تصویب شده و روی يك يك این مواد قیتمهائی که باید بدولت بگیرد معین شده يك مالیاتی هم اضافه بر آنها شده مجلس شورای ملی تذکره میدهد بدولت که آن قانونی که تصویب شده بموقع اجرا گذارده شود وقتی که آنرا اجرا کرد دیگر تبه بلدی روی هم نمی خوابد حالا میفرمائید که این مالیات هائی نیست .

در اینکه وزیر مالیه این را خواهد کرد تردیدی نیست

رئیس - داخل اصل مطلب میشوند ؟

رهنما - اجازه فرمائید .

بنا بر این دولت میتواند در عرض ده روز یا نوزده روز پیشنهادات خود را بیاورد و این تذکره هم قبول کند و بنا بر این همان طوریکه آقای تدین فرمودند ارجاع به کمیسیون رد شده است و بنده هم با ارجاع بکمیسیون مخالفم .

(پیشنهاد آقای روحی بشرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم که جلسه ختم شده و بقیه مذاکرات بجلسه آینه محول گردد و تا شاید در این ضمن را حلی برای موضوع حاصل شود .

رئیس با این پیشنهاد کسی مخالف است ؟

حائری زاده بنده مخالفم .

رئیس - فرمائید .

حائری زاده - بنده می بینم کار را خودمان بر خودمان مشکل میکنم تقاضائی که آقایان کرده بودند بدولت تذکره داده شود که از این خلاف قانون جلو گیری کنید دولت حاضر است در مجلس و خودش هم مذاکرات را می شود فردا یا ده روز دیگر اگر دولت اجرا نکرد البته سؤالی کنیم عجلاناً تذکره که مقصود بوده است داده شده است و رأی هم لازم نیست خوب است خانه داده شود باین مسئله و دولت حاضر است و میشود .

رئیس - پس با ختم جلسه موافقت هستند .

مخالفی ندارد این پیشنهاد

تدین - بنده توضیحی دارم .

رئیس - فرمائید .

تدین - نسبت باین پیشنهاد بنده که از طرف مقام محترم ریاست رأی گرفته شد

راجح باصل پیشنهاد نبود بنا بر این اصل پیشنهاد باقی است .

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهادی که شده است راجع به ختم جلسه

آقایان بیکه موافقت فرمائید

يك مالیاتی از طرف مجلس شورای

آقای ضیاء الادبیه نصابیه معترم فارس برای تدبیر رسمی ذمه استیجازه نموده بودند نظریاتیکه اشما داشته اندیک ماهه برای ایاب وذهاب و تنظیم امور ایشان کافی نیست کمیسیون با مشاوره دو ماهه را زائد دانست فقط در ۲ جوزا تا ۲ سرطان فیهت ایشانرا تصویب مینماید که در مدت مزبوره فیهت با اجازه ثبت شود.

(همینه بین نمایندگان)

رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - آقای ضیاء الادبیه در آن دوره یعنی دوره چهارم هم یک مرتضی سمتی گرفته باینستنی که اصلاً بنیالسن نیامده حالاهم بازمینوا معترضی بگیرند اگر بنا باشد این ترتیب رفتار شود سایر آقایان هم میخوانند همین کار را بکنند و بنده مخالف هستم.

آقا سید یعقوب - بنده حق دفاع دارم ؟

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - حضرت والا شاهزاده شیخ الرئیس اشتباه فرمودند، در دوره چهارم آقای ضیاء الادبیه به مجلس آمدند و بیکسال هم در مجلس بودند بعد رفتند خوب نیست این طور مخالفت میکنند.

شیخ الرئیس - آریا و کبیل بودند یا نه ؟

آقا سید یعقوب - ایشان آن دوره اصلاً بمجلس نیامده اند.

شیخ الرئیس - خوب بود میآمدند و اجازه میگرفتند.

آقا سید یعقوب - اجازه بفرمائید ایشان پس از آنکه آمدند بپهران مدتی از سرمایه شخص خودشان خرج کردند و اینجای معطل ماندند تا بالاخره آن وقایع پیش آمد و ایشان رفتند و دیگر نیامدند ببلاره همه آقایان نمایندگان میدانند که ایشان یک شخص صاحب مالک و خلاقه هستند در شیراز و اینجای تا شیراز هم صد و پنجاه فرسخ راه است برای سر کشی باملاکشان دو ماهه اجازه خواست بودند که بگناه هم سر کشی باملاکشان نموده مراجعت کنند و کمیسیون فرمودند مرتضی ایشان را بگناه تصویب کرد حالا اجازه هم نمانده مختار بدیگر حمله کردن بیک و کبیل آزاد بخواه که هم آزاد بخواه و هم کبیل میباشند ببلاره آخوند هم هستند مورد ندارد.

(خنده نمایندگان)

رئیس - گمان میکنم توضیحات آقای آقا سید یعقوب مکفی بود.

رأی میگیریم آقایانیکه رایزرت کمیسیون هرایب و مرتضی را راجع بر رسمی آقای ضیاء الادبیه تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - رذ شده

لائحه ای که از طرف سه نفر از علماء اعلام راجع به بیست نفر از آقایان طراز اول رسیده بود و دو روز قبل عرض کردم باید امروز مطرح شود بالفعل مطرح است سابقه این امر هم حاضر شده است در قانون اساسی هم مصرح است که این انتصابات یا باید باتفاق آراء باشد یا بقره بدینوسیله است اول باید رای گرفته شود اگر چنانچه اتفاق آراء حاصل نشد آنوقت مراجعه بقره می شود پس اگر صلاح می داند برای اینکه تبادل نظری بین آقایان بشود که اتفاق آراء حاصل شود اول مراجعه شود بجمع در آنجا مذاکره شده لایحه هم طبع و توزیع شود.

شیخ الرئیس - خوبست قرائت بشود (شرح ذیل قرائت شد)

بسم الله الرحمن الرحيم
مجلس معترم شورای ملی
شید الله تعالی ارکانه

چون بوجوب اصل دوم قانون اساسی مقرر است بیست نفر از علماء اعلام به مجلس معترم معرفی شود و پنج نفر از ایشان را بالاتفاق یا بقره برای مراقبت در عدم مخالفت آراء صادره با قوانین مقدسه اسلامی انتخاب نموده امضاء و رد آن پنج نفر را در این باب مطاع و متبع دانند.

لهذا علناه عظام مفصله الاستانی را بمجلس معترم معرفی می نمایم

شهرتین المظلم ۱۳۴۲

کشف اشرف : آقای حاج شیخ محمد حسین اصفهانی . آقای حاج شیخ محمد کلام شیرازی . آقای حاج میرزا احمد آبه الله زاده خراسانی . آقای حاج شیخ اسحاق اسدالله زاده دشتی .

پهران : آقای آقا میرزا سید محمد بهجانی . آقای امام خفنه خونی . آقای حاج سید محمد امام جمعه . آقای آقا سید حسن مدنی .

اصفهان : آقای حاج آقا نورالله . آقای فشارکی .

خراسان : آقای حاج میرزا محمد آقازاده . آقای حاج شیخ احمد شاهرودی .

کرمانشاه : آقای آقا شیخ هادی .

آقای حاج آقا مهدی .

شیراز : آقای آقا شیخ مرتضی .

آقای آقا شیخ جعفر . آقای آقا سید جعفر یزد . آقای حاج میرزا سید علی یزدی مدرس .

هراق : آقای حاج آقا مصطفی .

آقای حاج میرزا محمد علی خان .

و سئل الله تعالی ان یؤیدهم جمیعاً بالثی و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین .

الاحقر ابو الحسن النوسوی الایصفهانی
الاحقر محمد حسین النوری النائینی
بسم الله الرحمن الرحيم
اشخاص مفصله فوق دامت برکاتهم

که حضرت حجین آیتین ادام الله ظلها معین فرمودند صحیح و معنی اعتقاد این - جانب هستند.

ایدهم الله تعالی لنعرة الاسلام بجاه محمد و آله الطاهرین .

الاحقر عبدالکریم العائزی

رئیس - لایحه تذکره دو قرانی مطرح است.

سردار معظم ممبر کمیسیون مالیه - قبل از اینکه داخل شود شانی بشوم لازم است یک اصلاح عبارتی در ماده بشود که رفع هر سوء تفاهمی بشود.

یک کلمه افتاده دارد که باید نوشته شود برای اتباع بی بضاعت ایران در مقیدین در مالک خارجه

رئیس - ماده واحده قرائت میشود رأی هم برای دخول در دستور ثانی گرفته شده است

(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - برای مساعدت با اتباع بی بضاعت ایران مقیدین در مالک خارجه بر درجات موجوده تذکره بیکدرجه دیگر که قیمت آن دو قران است افزوده می شود.

مدت اعتبار این نوع تذکره یکسال بود و همه ساله باید تجدید شود و متعصبین بملجعات و کارگران و کسبه بی بضاعت ایرانی خواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده اولاً تقاضا دارم آقای ممبر هسانی نشوند و سؤالی که میکنم چون آقای وزیر امور خارجه هم شریف دارند در مقام ایراد بر بنده برناید بنده عرض میکنم قانون که از مجلس میگردد باید بوقوع اجرا و عمل بیاید مجلس هم واضح قانون هم ناظر در اجرای قانونست

بنده کلاماً مواضع این قانون بگنجد ولی مطابق قانونی که از مجلس گذشته است که نامورین دولت بیش از پنج سال در خارجه نامورینشان رسیت ندارند.

حالا بین حمله می آورید و متغیر هم می شوید بشود آیا این قانونی که حالا از مجلس میگردد بدست کسی باید اجرا شود ؟ اگر بنایند بدست نامورین سیاسی ایران که در خارجه هستند اجرا شود مطابق قانونی که از مجلس گذشته است رسیت ندارند آیا این مسئله در وزارت خارجه مطرح شده است که نامورین جدید بجای نامورین سابق بخارجه بفرستند اگر بنا باشد بدست نامورین سابق اجرا شود بنده عرض میکنم آنها رسیت ندارند اگر هم قرار شده است نامورین جدید بفرستند آنرا هم توضیح بدهند نامعلوم شود مخیر - اولاً اینکه فرمودند در مقابل سؤالی ایشان عضیانی نشوم باید عرضکنم

قانونی را که ایشان عیالاً مدافع آن هستند در دوره چهارم خود بنده پیشنهاد کردم ولی بمقیده بنده اجراء و هم اجراء آن مربوط بقانون تذکره نیست در جلسه گذشته هم آقای آقا سید یعقوب عرض فرمایند فرمودند و بنده با کمال غوسردی ابشاراً متوجه کردم که فرمایش ایشان صحیح ولی موردش اینجا نیست.

این قانون برای اتباع بی بضاعت ایران باید تصویب شود و اجراء قانونی هم که در دوره چهارم راجع بادامه ندادن ناموریت نامورین در خارجه بیش از پنج سال گذشته صحیح است و هر تصبیبی که نمایندگان معترم در باب اجرای قوانین مملکتی اتخاذ فرمودند در باب آقانونهم اجراء خواهد شد

رئیس - آقای اشگر .

(اجازه)

اشگر - در جلسه قبل عرض کردم که دو قران برای اتباع بی بضاعت ایران در خارجه مخصوصاً فقراتی که بکثرت در مالک خارجه موجودند زیاد است و عرض میکنم اتباع فقیر ایران در مالک روسیه و بین النهرین بچگونه استطاعت پرداخت هیچ میلی را ندارند و اگر مقصود از وضع این قانون مساعدت با فقراء و اشخاص بی بضاعت است البته در موافقی که مقتضی است دولت باید با اتباع خودش مساعدت بکند موضوعی هم که اینجا نوشته شده برای تهیه تذکره دو قران خرج لازم است بنده معتقد نیستم برای دولت هم تذکره یک قران باشد یا دو قران چندان فرق نیکنند ولی برای اشخاصی که مخصوصاً مرض مردم در خاک بین النهرین و روسیه هستند خیلی فرق خواهد داشت زیرا آنها بکلی مستأصل و یریشان هستند یک اصلاح عبارتی هم دارم که عرض میکنم با وجود آشنائی که شاید آقایان بحال بعضی از نامورین دارند میدانند در موقعی که بناست مالیات از آنها بگیرند چگونه بر قانون مراجعه میکنند و چه طور کلمات را می شانند در این قانونهم اسم فقراء ذکر نشده و قطعاً می دانم بر خلاف مقصودی که مجلس از وضع این قانون دارد از فقرای بدست هر چه نامتر همان تذکره های سابق را خواهند گرفت این هم که آقای آقا سید یعقوب در جلسه قبل فرمودند مقصود از کسبه بی بضاعت همان فقرات اینطور نیست زیرا کسبه بی بضاعت ممکن است سرمایه نداشته باشند و گفته شود بی بضاعت است غیر از فقراتی است که سائل بکف می باشند و کسی هم ندارند و نامورین این کلمه را خواهد چسبید و از آنها مطالبه و بخواهد نمود و مقصود مجلس از وضع این قانون بعمل نیاید.

رئیس - آقای شیخ معظم مواظبت

مشیر معظم - بنده اصلاح عبارتی داشتم

رئیس - باید پیشنهاد بفرمائید - شاهزاده شیخ الرئیس

(اجازه)

شیخ الرئیس - بنده مخالفم

رئیس - بیس تأمل بفرمائید . آقای قائم الملك

(اجازه)

قائم مقام الملك - عرض میکنم آقایانی که مسافرت بخارجه کرده اند میدانند وضعیت اتباع ایران که مقید در آنجا هستند خیلی بدست در این قانون برای حال آن ها فوق العاده مفید و خوب است و بنده مقید دارم هر چه زودتر این ماده تصویب شود بهتر است

رئیس - آقای زهمیم

(اجازه)

زهمیم - بنده این ماده را جامع الجاهات نمی بینم و روی هم رفته بقرینه بنده مقید و برای پیشرفت آن مقصودی که در مقدمه نوشته شده نیست

اولاً بطور کلی عرض میکنم قانون تذکره از مجلس نگذشته و فقط در بودجه قوی ثانی ۱۳۲۵ در جمع عایدات یک تذکره از درآمد عایدی تذکره شده بود و همان مدرك وصول عایدات آن سه قسم تذکره بود و تذکره هم در این مدت هفده هیجده سال یک اضافات غیر قانونی پیدا کرده است حالا این ماده واحده در حکم تصدیق یا تصویب ضمنی است بنده هم تذکره که شاید اگر بیا بدیجلی همه چیزش مورد اعتراض واقع شود.

بنده هیچ اشکالی نمی دیدم و هیچ مانعی تصور نمی کردم که اگر وزارت امور خارجه هوش ماده واحده مواد از بعضی پیشنهاد می کرد منتهی یک کمی صرف وقت بیشتر میخواست و بقرینه من این صرف وقت هم اتلاف وقت حساب نمیشد

باضافه در مقدمه اینطور مینویسد برای اتباع بی بضاعت مقیدین در خارجه میخوانیم اینطور وضع تذکره بکنیم بیشتر این قسمت از هم وطنان بی بضاعت و فقیر مادر بین النهرین هستند و بنده چگونه گداش احوال آنها را برای العین دیده ام و از وضعیت زندگانی آنها بخوبی مستحضرم و مخصوصاً مطالعه کرده ام اینها یک قسمت شان اشخاصی هستند که شنیده اند اجناسشان باسی تومان پول باهائله خودشان مثلا از سیستان حرکت کرده و رفته اند بتهات عالی زیارت کرده و برگو مراجعت کرده اند اینها هم بهمان خیال باوجه قبلی حرکت کرده اند و هر چه بقصد نزدیکتر شده اند از شدت هوق مفرطی که داشته اند جلوتر رفته و هیچ فکر معراج آتیه خودشان را نکرده اند

چندای دارم با کمی دو قران نمیتوانند بکنند

شده اند یک قسمت دیگر اشخاصی هستند که همله بوده اند مثلا در کرمانشاه عملگی میکرده و از نقطه نظر اعتقادات و شوق زیارت بتهات رفته اند آنجا بعضی هاشان مرض و بعضی بگدا می افتاده اند بکسمت هم گدا انبهای مهاجرانند که غارت شده و فرار کرده اند و هیچکدام از این اقسام بضاعتی ندارند که بتوانند دو قران پول تذکره بدهند دو قران دولت یک رویه است و اگر منظور اصلی برای جمع آوری این قسمت از اتباع ایران باشد بنده گمان می کنم این مبلغ برای قیمت تذکره زیاد است و عقیده ام این است که یک داخلی بزنند برای مصارفی که در این راه میشود و آنرا قیمت تذکره قرار دهند و بدهند باتباع ایران اما در مورد مدت که مینویسد اعتبار آن یک سال خواهد بود یعنی در هر سال باید تمهید ایران آنرا آورده و تجدید کند و یکی دیگر بگیرد بنده این کار را یک نکت و شکست فاحشی در جمیع عایدات مملکت میدانم . تصدیق میکنم اتباع ایران در خارجه وقتی نباشد در هر سال یکمرتبه تذکره خودشان را تجدید کنند یادشان می آید که اهل کدام مملکت اند ولی برای رسیدن باین مقصود بنده تصور میکنم اگر مدت را یک سال قرار میدادند ولی باین ترتیب که هر کس از این اقسام تذکره است در مدت سال بیاورند و آنرا بدون دادن وجهی تجدید کند بهتر بود یا وضع اخلاقی نامورین ما که هنوز کاملاً با بنای وظیفه واقف نشده اند تصور میکنم این ترتیب موجب یک اخلاقی است با عتسکس در جمیع عایدات مملکت بشود باینجهت بنده مخالفم

مخیر - برای رفع اشکالاتی که شاید ناشی از عدم توجه بر ایورد ثانوی کمیسیون قوانین مالیه باشد عرض می کنم از طرف کمیسیون یک رایزرت ثانوی هم داده شده است و در آنجا مخصوصاً از درجات تذکره اسمی برده نشده و اگر آقا مراجعه فرموده بودند بکلی اشکال شان رفع میشد . اما اینکه فرمودند دو قران در سال برای اتباع ایران مقید در خارجه زیاد است عرض میکنم سابق بر این اول پولی که برای گرفتن تذکره میدادند بیست و سه قران بود و این کمترین پولی بود که برای پست ترین تذکره هاز اتباع ایران گرفته میشد حالا وزارت خارجه خواسته است از نقطه نظر اینکه اتباع ایران در خارجه تحت تأثیرات محلی واقع نشوند و تابعیت خودشان از دست ندهند یک تخفیفی به آنها داده باشد و این تخفیف را کمتر از دوازده مرتبه نمیتوانست قائل شود و این دو قرانی که برای قیمت تذکره قائل شده قیمت کافی و طبع و غیره است خود دولت خیال کرده اند و هر چه بقصد نزدیکتر شده اند از شدت هوق مفرطی که داشته اند جلوتر رفته و هیچ فکر معراج آتیه خودشان را نکرده اند

چندای دارم با کمی دو قران نمیتوانند بکنند

یک قران بدهد و اساساً بنده منکر این هستم که در تمام خاک خارج از ایران و داخل در ایران یک تمهید ایرانی پیدا شود که در سال دو قران نتواند بدهد بنده که سراغ ندارم ولو اینکه یک نفر از اتباع ایران مشغول تکدی هم باشد باز در سال می تواند دو قران داده تذکره بگیرد بنا بر این طرفداری و مساعدت با فقراء را باید در یک حدی متوقف کنیم و از آنجا تجاوز نکنیم . آقای رفیم اعتراض فرمودند که چون تذکره از مجلس نگذشته است تصدیق ضمنی از طبقات ثلاثه تذکره است . خیر چنین نیست زیرا ما در کمیسیون قوانین مالیه در ضمن رایزرت خودمان ذکر میکنیم که برای مساعدت فلان بر درجات موجوده تذکره بیکدرجه افزوده می شود . بالاخره باید تصدیق بکنیم که در این مملکت یک تذکره هست حالا خوب است کار نداریم بدست کار نداریم صحیح است . غلط است . مطابق قانون است مخالف قانون است . قمار کار نداریم علی الخصوص که اطلاعات عرض میکنم وزارت خارجه مشغول تهیه قانون تذکره عمومی است و شاید تا چیزی دیگر مجلس شورای ملی پیشنهاد کند ولی در هر حال با تصویب این ماده واحده هیچ نوع تصدیق ضمنی راجع به تذکره های دیگر نیست بالاخره ما منکر نیستیم البته یک تذکره هائی وجود دارد حالا خواه صحیح است خواه غلط است بیکدرجه دیگر هم تذکره تأسیس میکنیم این هیچ نوع تصدیق ضمنی را در بر دارد اما یک قسمت اعتراض فرمودند راجع بدست و فرمودند اسباب نکس عایدات میشود آن قسمت ثانی را بنده نتوانستم درست معطلی را در کتب امادرم موضوع اینکه سال بسال تجدید بشود این ترتیب بهتر است برای اینکه خودش یک تفتیش است از اتباع ایران که در خارجه هستند که بوسیله این تجدید تذکره نامورین دولت قادر خواهند بود در اتباع ایران از تفتیش بکنند و بقرینه بنده خیلی خوب است (جمعی گفتند - مذاکرات کافی است)

(بعضی گفتند - کافی نیست)

رئیس - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است .

حائری زاده - اختطاری دارم .

رئیس - بفرمائید .

حائری زاده - در جلسه اسبق موقعیکه آقای نایب رئیس مجلس را اداره میکردند بنده عرض کردم که بموجب ماده ۸ نظامنامه داخل آن لوائیسی که در داخل و خرج مملکتی ممکن است مؤثر واقع شود از حد کم شدن یاریاد شدن داخل و خرج باید مراجعه شود بکمیسیون بودجه . بنده می خواست این ورقه لایحه است که از طرف دولت بمجلس تقدیم شده و از وظائف کمیسیون

بودجه است . فقره دوم مینویسد تمام لوائیج یا طرح قانونی که موجب تغییر دخل و خرج سال بعد است باید بکمیسیون بودجه مراجعه شود . فلسفه و دلیل این کار هم با خودش است اگر تمام لوائیسی که مؤثر در دخل و خرج مملکتی بود بکمیسیون بودجه مراجعه شده بود یک کتاب باین ضخیمی در این مملکت اجرا شده نبودند اینجاست قانون تشکیلات عدلیه تشکیلات وزارت داخله . اداره طباطبایه اداره احصائیه . تشکیلات اداره اوقاف و ولایات یک قانون منصلی نوشته شده و از نقطه نظر پول مینظرند ماند در تشکیلات وزارت معارف آنوقت که قانون را مینویسد باید یک احساساتی بوده است که تعلیمات اجباری و عمومی را از دیگر فکر نکرده بودند که پول نیست نمیشود وسائل تحصیل اجباری را فراهم کرد و البته اگر این مسئله مراجعه شده بود بکمیسیون بودجه از نقطه نظر اینکه چون پول نداریم و قانون را نمی شود اجرا کرد نوشته نمیشد و بنده مخالفم که یک قانونی نوشته شود و اجرا نشود و روی میز مانده میل اطلاق شود این لایحه بدینوسیله است با عایدات را اضافه میکند یا کم میکند .

رئیس - آقایان با اختطاری نبود از موضوع خارج شدید .

حائری زاده - من معتقدم که این مسئله باید مراجعه بکمیسیون بودجه شود و نظر کمیسیون بودجه یا موافقی یا مخالف هر چه باشد پیشنهاد بشود و در آن مذاکره بشود . مخیر - در جلسه گذشته هم آقای حائری زاده در موقعی که شورای این لایحه بوده هین فرمایش را فرمودند بنده از ایشان استعفا میکنم که وظایف کمیسیون قوانین مالیه را معین بفرمایند برای اینکه ایشان بفرمایند تذکره دو قرانی ممکن است مؤثر در دخل و خرج مملکتی باشد بنده عرض میکنم لایحه مستری - قانون نواقل اینها همه مسلمانی دخل در جمع و خرج مملکتی است پس بایستی تمام اینها برود بکمیسیون بودجه و کمیسیون مالیه نباید برود حائری زاده - بهره باید برود سردار معظم تمام قوانین که بعد در صل منجر باخذ پول می شود مقدمه باید برود بکمیسیون قوانین مالیه بعد که قبول شد آنوقت طرز خرج پولش و سایر ترتیباتش میورد بکمیسیون بودجه بنا بر این قانون تذکره هم لوائیکه در نتیجه منجر باخذ پول می شود ولی چون قانونی است که مقدمه برای پول است باید برود بکمیسیون قوانین مالیه .

(جمعی گفتند - مذاکرات کافی است .)

رئیس - پیشنهاد آقای سلطان الملهام بشرح ذیل قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که ماده اینطور

